



یادداشت

ملاحظات «تشخیص مصلحت»

□ **مهدی سعیدی** ۲۲ مرداد امسال بود که با حکمی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی، اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای یک دوره پنج ساله معرفی و کار خود را آغاز کردند. مطابق این حکم ریاست مجمع برعهده آیت‌الله‌هاشمی‌شاهرودی واگذار شد و آقای دکتر محسن رضایی در جایگاه دبیری مجمع ابقا شد و تحولات جدیدی در بخش ساختار و محتوا ایجاد شد. تحولات حاصل آمده فرصت‌های جدیدی را در اختیار مجمع قرار داده تا با قدرت فزاینده‌ای در تحولات و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقش‌آفرین باشد. سپردن ریاست مجمع به آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی می‌توان فرصتی برای کارآمدسازی و تحولی در اداره مجمع به حساب آرد. آغاز دور جدید با تحولاتی در ساختار و محتوا همراه خواهد بود، ضرورتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکم خود، اهم آن را اینچنین برشمرده‌اند:

«سامان بخشیدن به مجموعه سیاست‌های کلی و بازنگری در عناوین و نیز در فرآیند تعیین و تنظیم آن، سامان بخشیدن به مسئله نظارت بر اجرای سیاست‌ها، سازوکار لازم برای ارزیابی کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها، ایجاد انسجام کامل در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی و تمرکز برنامه‌ها بر اساس آیین‌نامه مصوب، جایک‌سازی تشکیلات و حذف بخش‌های موازی و غیرضرور،» همچنین ترکیب جدید مجمع هفته گذشته(۹۶/۶/۲۲) دیداری با رهبر معظم انقلاب اسلامی داشتند که در آن دیدار به ابعاد دیگری از انتظارات رهبری از مجمع اشاره شد که باید بر عملیاتی کردن آن اهتمام کرد.

در یک تقسیم‌بندی کلی وظایف اصلی مجمع تشخیص مصلحت را می‌توان در سه‌گانه «تشخیص مصلحت»، «مشاورت در تعیین سیاست‌های کلی» و «راهنه راه حل در معضلات کشور» دسته‌بندی کرد. «تشخیص مصلحت»؛ فرآیند پیچیده‌ای است که باید بدون هر گونه ملاحظات جناحی و سیاسی و مبتنی بر منافع ملی، با درک درستی از مصالح کشور و با نگاهی بلندمدت و نه روزمره، صورت پذیرد که برای تشخیص آن نیازمند بحث‌های دقیق، کامل و مستدل هستیم. برای این امر نیازمند رعایت اصول و قواعدی هستیم که باید به آن توجه شود؛

۱- اعضای مجمع تشخیص مصلحت را رجال سیاسی تشکیل می‌دهند که پیش از این در جایگاه‌های عالی تصمیم‌گیری کشور دارای تجربه کافی بوده و با کلیت منافع ملی کشور آشنا هستند. بی‌شک این افراد در طول چندین دهه فعالیت سیاسی کشور دارای تعلقات سیاسی و جناحی بوده و دارای سوابق حزبی و جناحی هستند. اتفاقاً این مسئله خود به فرصتی برای این افراد به مثابه عضو مجمع تشخیص مصلحت است که هر یک از منظر سیاسی متفاوت به پدیده‌ها توجه کنند؛ اما نکته اساسی در این میان آن است که آنچه از منافع جناحی، بالاتر است؛ منافع ملی و تشخیص مصلحت نظام سیاسی است که اعضای مجمع باید در تراز آن تصمیم‌گیری کنند. کساندن اختلافات و رقابت‌های سیاسی و جناحی به مجموعه‌ای راهبردی چون مجمع، خطای نابخشودنی است که می‌تواند توان کشور را بکاهد و به موانعی برای پیشرفت و توسعه کشور بدل شود.

۲-ملاحظه‌دیگر آن است که تشخیص مصلحت بدون داشتن ویژگی‌هایی چون تعهد، تدبر و عقلانیت و تیزبینی، بصیرت و شجاعت ممکن نخواهد بود. این ویژگی‌ها تنها در قالب شخصیت‌هایی جمع شدنی است که از آنان می‌توان با عنوان «رجال انقلابی» یاد کرد. انقلابیون هستند که در مواقع حساس و آنجا که حل مشکلات نظام نیازمند تصمیمی دقیق و قاطع است، این جرأت و جسارت را دارند که درست تصمیم گرفته و در سطحی بالاتر تصمیمات درست اتخاذ شده را اجرایی و مطالبه کنند.

در حوزه نگرشی نیز، شاخصه انقلابی‌گری و تفکر انقلابی پایبندی به مبانی و آرمان‌های انقلابی است، که حالت انضمامی آن در اندیشه و بیانات حضرت امام خمینی(ره) تجلی‌یافته است. امروزه کسی نمی‌تواند مدعی انقلابی‌گری و پایبندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی ملت ایران باشد؛ اما منظومه فکری‌اش با تفکرات حضرت امام(ره) زایوه داشته باشد! امام همچنان اسوه و سمبل انقلابی‌گری است و ترازوی برای سنجش مواضع دیگران. تکمله این کلام آنکه تبلور امروزین تفکر حضرت امام(ره) را نیز باید در کلام امام‌خامنه‌ای جست‌وجو کرد. به واقع در عالی‌ترین تراز باید گفت که نمی‌توان دم از خط امام(ره) و انقلاب زد و از گفتمان سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی فاصله داشت!

به فرموده رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی؛ مجمع تشخیص مصلحت، یادآور امام بزرگوار و فرآورده انقلاب است و در فرایند اداره و مدیریت کشور دارای تأثیر بسیار مهمی است؛ بنابراین باید تفکرات امام و انقلاب بر آن کاملاً حاکم باشد، انقلابی فکر و عمل کند و هیچ مصوبه، موضع‌گیری یا اقدامی متفاوت با مبانی اصلی انقلاب و میراث گرانقدر امام از آن مشاهده نشود.

آخرین خبر

احتمال دیدار وزیر امور خارجه ایران و آمریکا

فاریز پالیسی در گزارشی با اشاره به نشست وزیر خارجه آمریکا با محمدجواد ظریف در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک نوشت که شرایطی که دولت ترامپ در حال ارزیابی نابودی برجام است، ظرف و دیگر مقامات کلیدی با وزیر خارجه آمریکا نشست و مذاکراتی خواهند داشت.

نکته‌ونظر

اگر ایران نبود

نکته: دکتر ولایتی نقل می‌کند: «اوایل رهبری رهبر معظم انقلاب، ایشان من را احضار کردند و گفتند فلانی! از شما می‌خواهم که هر کاری که می‌توانی برای بوسنی بکنی؛ فردای قیامت از شما بازخواست خواهم کرد. آن موقع ایران هر کاری که می‌توانست کرد؛ حتی به زحمت زیاد یک جوری اسلحه می‌رساندیم به مسلمانان بوسنی. یک بار که به بوسنی رفته بودیم، در فرودگاه سارایوو که نشستیم، صرب‌ها از آن طرف فرودگاه تیراندازی می‌کردند. به ما گفتند که جلیقه ضدگلوله بپوشید و پیاده شوید، گفتمیم مردم بوسنی جلیقه ضدگلوله ندارند و هر روز این تیرها را دارند می‌خورند، ما آمده‌ایم اینجا که به مردم بوسنی روحیه بدهیم. چطور جلیقه ضدگلوله بپوشیم؟! و آقای فرود: «به کاخ مغزوبه علی عزت بگوئیم (رئیس‌جمهور وقت بوسنی) که رفتمیم، آنجا ایشان ضمن تشکر فراوان گفت که «گر ایران نبود، بوسنی نبود». جمهوری اسلامی ایران این‌گونه از تمام مسلمانان جهان حمایت می‌کند و برای آن هزینه می‌پردازد. یک روز شنیدم که ماهاتیر محمد سخنی علیه شیعه گفته است. رقتم مالزی، با ایشان دیدار کردم و آنجا گفتم: شما می‌دانی ما به واسطه حمایت از فلسطین و بوسنی از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش در فشاریم. اینها سنی هستند یا شیعه؟! گفتم شما می‌دانی آمریکایی‌ها به ما پیغام داده‌اند که «اگر دست از حمایت فلسطین بردارید، تمام مشکلات ما با شما حل می‌شود» و ما قبول نمی‌کنیم!»

نظر: حمایت جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان میانمار نیز بر اساس این خصوصیت حمایت از مظلومان جهان است و مردم و مسئولان بدون نگاه‌های غیر اسلامی به این مسئله باید اهداف الهی و انقلابی را مد نظر قرار دهند، کما اینکه امام خامنه‌ای بر نقش فعال جمهوری اسلامی تأکید کرده و گفتند: «باید جمهوری اسلامی موضع شجاعانه و صریح خودش را اتخاذ کند.»



دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۶ - سال هجدهم - شماره ۸۱۶

عزاداری‌ها باید حماسی باشد

گفت‌وگوی صبح صادق با کارشناسان مسائل بین‌المللی درباره جنایت علیه مسلمانان روهینگیا

میانمار سنگ محک کشورهای اسلامی است

□ **مجتبی برزگر /** این روزها خبرهای جهان بر روی مسائ‏ل کشور میانمار و منطقه روهینگیا متمرکز شده است؛ منطقه‌ای که مسلمانان آن به دست نظامیان و گروه‌های افراطی میانمار مورد هجوم، قتل و کشتار قرار گرفته و خانه‌های‌شان به آتش کشیده شده و اموال‌شان به غارت می‌رود. در سکوت مجامع بین‌المللی و حامیان به اصطلاح حقوق بشری هر روز مسلمانان میانمار طی درگیری به دست بودائیان افراطی و نظامیان کشته می‌شوند و این درگیری‌ها ریشه در اختلافات داخلی این کشور دارد. در واقع می‌توان گفت، یک هولوکاست در این منطقه در حال رخ دادن است و زن، کودک، پیر و جوان آن در حالی جان می‌دهند که مجامع و سازمان‌های بین‌المللی نیز سکوت اختیار کرده‌اند. چندی پیش بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای جلسه درس خارج قفح با اشاره به حوادث فاجعه‌آمیز میانمار، از سکوت و بی‌عملی مجامع جهانی و مدعیان حقوق بشر در قبال این فجایع به شدت انتقاد کردند و با تأکید بر اینکه راه‌حل این قضیه، اقدام عملی کشورهای مسلمان و فشار سیاسی و اقتصادی به دولت بیرحم میانمار است، خاطر‌نشان کردند: «جمهوری اسلامی باید علیه ظلم در هر نقطه از جهان، صریح و شجاعانه، اعلام موضع کند.» در همین راستا، معظم‌له تشکیل سازمان همکاری‌های اسلامی با موضوع فجایع میانمار را ضروری خواندند. در زمینه ظرفیت‌های دیپلماسی فعال و حمایت از آوارگان و مهاجران مسلمان میانمار‏ی نظر دکترحسین شیخ‌الاسلام و دکترسعدالله زارعی دو نفر از تحلیلگران مسائل بین‌المللی را جویا شدیم که به استحضار شما نیز خواهد رسید.

***رهبر معظم انقلاب پیشنهاد دادند برای مقابله با نسل‌کشی در میانمار هر چه زودتر کنفرانس اسلامی برگزار شود؛ نظر شما در این باره چیست؟**
شیخ‌الاسلام: این وظیفه همه مسلمانان، خاصه کشورهای و حکومت‌های اسلامی است که از حقوق مسلمانانی که پرانکند هستند و جایگاهی ندارند دفاع کنند. کشورهای اسلامی که دارای سازمان مستقلی هستند باید این موضوعات را در دستور کار خود دهند و بهنگام وارد عمل شوند؛ چرا که این روش به نوعی کاربردی‌ترین روش است. بسیاری از کشورهای اسلامی دادوستدهای زیادی با میانمار دارند که از این مهم می‌توانند به مثابه یک اهرم برای متوقف کردن این جنایت بهره‌گیرند. از نظر دیگر، متأسفانه این یک طرح استکیاری و سیاسی است که مسلمانان را از آنجا اخراج کنند. سازمان‌های بین‌المللی در این راستا آن طور که باید و شاید نتوانست‌اند به وظایف‌شان عمل کنند. می‌اناید که استکبار وقتی در ذیل رشاد‏ت‌ها و ایثارگری‌های مردم عراق و سوریه و کمک مستشاری برخی از کشورها، از جمله ایران به بحث مقاومت دید که دأش، مسول، تروریستی‌اش در حال افول و نابودی است، امروزه جدیدی به نسام میانمار را به راه انداخته تا کشورهای اسلامی را یک بار دیگر در معرض ضعف قرار دهد.

زارعی: برای اینکه حساسیت قضایای روهینگیا و ماجرای میانمار بهتر بررسی و تحلیل شود، تصور کنیم شهروندان میانمار‏ی مسیحی هستند و چنین سرگذشتی از سوی دولت یا ارتش یا حتی بودایی‌ها علیه مسیحیان وجود آمده، در این صورت سازمان ملل، کشورهای اروپایی و آمریکایی چه کار می‌کردند؟ آیا لحظه‌ای در محکوم کردن این ماجرا و تلاش برای متوقف کردن این موضوع تعلل می‌کردند؟! در موارد مشابه شاهد بودیم وقتی داعش در عراق به ایز‏ی‌ها که شبه‌مسیحی هستند، تعرض کردند سازمان ملل و کشورهای اروپایی چه واکنش تندی نشان دادند. از این رو، کشورهای اسلامی باید بدانند که رسالت سنگینی بر دوش دارند و دفاع از مظلومان میانمار‏ی نه تنها به دلیل مسلمان بودن، بلکه به دلیل انسان بودن دارای اهمیت است. در واقع میانمار سنگ محک کشورهای اسلامی است و اگر واکنش نشان ندهند در موارد دیگر هم خودشان مورد تعرض قرار می‌گیرند. در واقع وقتی یک ملتی در مقابل حادثه‌ای از خود سستی نشان دهد، در مورد حوادث و موضوعات دیگر هم مورد طمع



قرار می‌گیرد.

*** برای مقابله با این فاجعه در سطح بین‌المللی چه راهکارهایی وجود دارد؟**
شیخ‌الاسلام: فکر می‌کنم مهم‌ترین راهکار مقابله با این فاجعه و سریال جنایت‌ها و کشتار علیه مردم بی‌دفاع و مظلوم روهینگیا، این است که مسلمانان، دولت‌ها و کشورهای اسلامی به پا خیزند و وظیفه‌شان را انجام دهند.
زارعی: کشورهای اسلامی، از جمله جمهوری اسلامی ایران یا کشور نافوذ و تأثیرگذاری نظیر هند که ارتباطات گسترده‌ای با دولت میانمار دارد می‌توانند از طریق روابط اقتصادی و غیر اقتصادی وارد شوند و دولت هند را به اعمال فشار بر میانمار وادار کنند. اگر هندی‌ها اراده کنند به راحتی می‌توانند جلوی این نسل‌کشی را بگیرند، روابط سیاسی و اقتصادی می‌تواند مسئولانه و بدون تعلل مورد استفاده قرار بگیرد و وضعیت فعلی میانمار را متوقف کند.

***چطور می‌شود جامعه اسلامی را برای مقابله با این جنایت، بیدار کرد؟**

شیخ‌الاسلام: یک بخش عمده‌ای از این مقابله به تبلیغات و کار رسانه‌ای قدرتمند برمی‌گردد. متأسفانه اکثر کشورها به دلیل اینکه زیر یوغ استکبار هستند نتوانستند ورود خوبی به این مسئله داشته باشند، اما باید از ظرفیت‌های بین‌المللی و راهکارهای به روز استفاده کرد و برای بیدار کردن مجامع بین‌المللی و برخی از بغلت‌هایی که در حوزه دیپلماسی اسلامی صورت گرفته، فشار آورد.

زارعی: امروزه جوامع اسلامی در یک سکوت خبری در برابر این فاجعه قرار گرفته‌اند. در واقع، مسلمانان بنابر بحران‌های موجود هر یک تعرض قرار می‌گیرند. در واقع وقتی یک ملتی در مقابل حادثه‌ای از خود سستی نشان دهد، در مورد حوادث و موضوعات دیگر هم مورد طمع

روی خط خبر

غنی‌سازی با ماشین از رده خارج

از حدود ۱۶ هزار ماشین نسل اول – ماشین IR۲M و ماشین‌های IR۴ نصب شده پیش از برجام، حالا ۵۰۶۰ ماشین IR۱ می‌چرخد. IR۱ نسل اول ماشین‌های غنی‌سازی است که حداقل ظرفیت (۱ سو در سال) را دارند و در حال غنی‌سازی ۳/۷۶ درصد هستند. به گفته مسئول فنی نطنز، با ماشین‌های فعلی امکان انجام غنی‌سازی در ابعاد صنعتی وجود ندارد و همین حالا هم از رده خارج هستند؛ اسما ماشین‌های IR۲M و IR۴ که جایگزین ماشین‌های از رده خارج نسل اول بودند و پس از طی کردن مراحل طولانی تست سرد و گرم، عملیاتی شده بودند، طبق برجام امکان نصب آن تا دست‌کم هشت سال پس از اجرائی آن وجود ندارد و تا آن زمان هم عملاً این دو ماشین نیز از رده خارج محسوب خواهند شد. این مشاهدات یک خبرنگار، از پایگاه‌های هسته‌ای کشورمان است.

چگونگی انتخاب مداحان

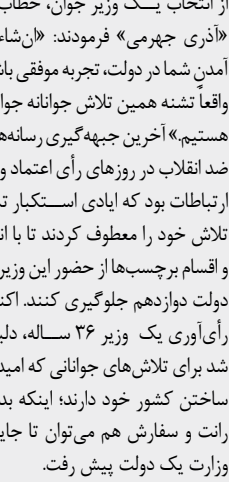
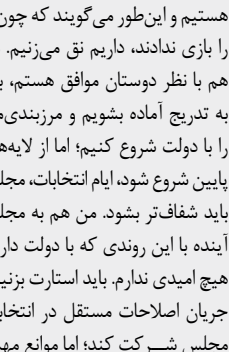
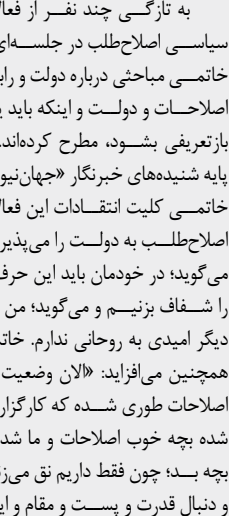
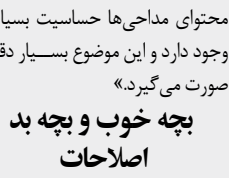
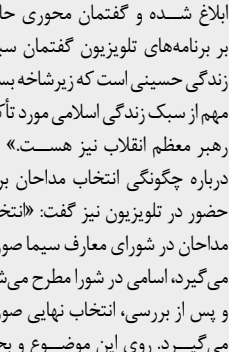
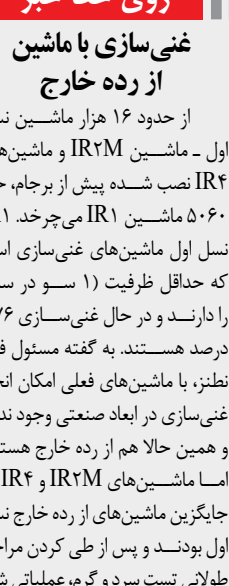
«محمدحسین محمزناده» درباره برنامه‌های تلویزیون در محرم امسال گفت: «برنامه‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف و متفاوت برای این ایام تدارک دیده شده است که اهم آنها در هشت محور اصلی برنامه‌ریزی شده است.» «این مدیر شبکه قرآن سیما گفت: «این محورها هشت‌گانه، سیاست‌ها و رویکردها به تمام شبکه‌های سیما ابلاغ شده و گفت‌مان محوری حاکم بر برنامه‌های تلویزیون گفت‌مان سبک زندگی حسینی است که زرشاخه بسیار مهم از سبک زندگی اسلامی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز هست.» وی درباره چگونگی انتخاب مداحان برای حضور در تلویزیون نیز گفت: «انتخاب مداحان در شورای معارف سیما صورت می‌گیرد، اسامی در شورا مطرح می‌شود و پس از بررسی، انتخاب نهایی صورت می‌گیرد. روی این موضوع و بحث محتوای مداحی‌ها حساسیت بسیاری وجود دارد و این موضوع بسیار دقیق صورت می‌گیرد.»

بچه خوب و بچه بد اصلاحات

به تازگی چند نفر از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در جلسه‌ای با خاتمی مباحثی درباره دولت و رابطه اصلاحات و دولت و اینکه باید یک بازتعریف بشود، مطرح کرده‌اند.
یک پایه تئوریدهای خبرنگار «جهان‌نیوز»، خاتمی کلیت انتقادات این فعالان اصلاح‌طلب به دولت را می‌پذیرد و می‌گوید در خودمان باید این حرف‌ها را شفاف بزنیم و می‌گوی‏د که هم دیگر امید‏ی به روحانی ندارم. خاتمی همچنین می‌افزاید: «لان وضعیت در اصلاحات طوری شده که کارگزاران، شده بچه خوب اصلاحات و ما شدیم، بچه بد؛ چون فقط داریم نق می‌زنیم و دنبال قدرت و بست و مقام و اینها هستیم و این‌طور می‌گوی‏ند که چون ما از بازی ندادند، داریم نق می‌زنیم. من هم با نظر دوستان موافق هستم، باید به تدریج آماده بشویم و مرزبندی‌مان را با دولت شروع کنیم؛ اما از لایه‌های پایین شروع شود، ایام انتخابات، مجلس باید شفاف‌تر بشود. من هم به مجلس آینده با این روندی که با دولت داریم، هیچ امید ندارم. باید استارت بزنیم و جریان اصلاحات مستقل در انتخابات مجلس شرکت کند؛ اما موانع مهمی هم پیش رو داریم.»

بدون رانت هم می‌توان وزیر شد

حضور یک وزیر جوان در کابینه‌ای که افراد آن میانگین سنی بالایی دارند، می‌تواند شروع یک راه جدید باشد و تاپوی وزارت ژنرال‌های مسن را بشکند. رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با اعضای هیئت دولت با ابراز خرسندی از انتخاب یک وزیر جوان، خطاب به «آذری جهرمی» فرمودند: «ان‌شاءالله آمدن شما در دولت، تجربه موفقی باشد. واقعاً نشنه همین تلاش جوانانه جوانان هستیم.»
آخرین جبهه‌گیری رسانه‌های ضد انقلاب در روزهای رأی اعتماد وزیر ارتباطات بود که ابادی استکیار تمام تلاش خود را معطوف کردند تا با انواع و اقسام برجسب‌ها از حضور این وزیر در دولت دوازدهم جلوگیری کنند. اکنون رأی‌آوری یک وزیر ۲۶ ساله، دلیلی شد برای تلاش‌های جوانانی که امید به ساختن کشور خود دارند؛ اینکه بدون رانت و سفارش هم می‌توان تا جایگاه وزارت یک دولت پیش رفت.



محمدحسین محمزناده، مدیر شبکه قرآن سیما

غلامعلی حدادعادل در همایش تجلیل از پیرغلامان حسینی با بیان اینکه پیام عاشورا همان است که باید جامعه به دست افراد صالح اداره شود و این یک پیام قرآنی است، تصریح کرد: انقلاب اسلامی یک پروت‏ز کربلا بود و این انقلاب براساس عاشورا شکل گرفت، مداحان و نوحه‌خوانان و پیرغلامان باید اشعارشان و نوحه‌خوانی که دارند حماسی و برانگیزاننده باشد و باید خون حسینی را در رن‏ت امت اسلامی به جوش آوردند.

گفت‌وگوی صبح صادق با کارشناسان مسائل بین‌المللی درباره جنایت علیه مسلمانان روهینگیا

میانمار سنگ محک کشورهای اسلامی است

□ **مجتبی برزگر /** این روزها خبرهای جهان بر روی مسائ‏ل کشور میانمار و منطقه روهینگیا متمرکز شده است؛ منطقه‌ای که مسلمانان آن به دست نظامیان و گروه‌های افراطی میانمار مورد هجوم، قتل و کشتار قرار گرفته و خانه‌های‌شان به آتش کشیده شده و اموال‌شان به غارت می‌رود. در سکوت مجامع بین‌المللی و حامیان به اصطلاح حقوق بشری هر روز مسلمانان میانمار طی درگیری به دست بودائیان افراطی و نظامیان کشته می‌شوند و این درگیری‌ها ریشه در اختلافات داخلی این کشور دارد. در واقع می‌توان گفت، یک هولوکاست در این منطقه در حال رخ دادن است و زن، کودک، پیر و جوان آن در حالی جان می‌دهند که مجامع و سازمان‌های بین‌المللی نیز سکوت اختیار کرده‌اند. چندی پیش بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای جلسه درس خارج قفح با اشاره به حوادث فاجعه‌آمیز میانمار، از سکوت و بی‌عملی مجامع جهانی و مدعیان حقوق بشر در قبال این فجایع به شدت انتقاد کردند و با تأکید بر اینکه راه‌حل این قضیه، اقدام عملی کشورهای مسلمان و فشار سیاسی و اقتصادی به دولت بیرحم میانمار است، خاطر‌نشان کردند: «جمهوری اسلامی باید علیه ظلم در هر نقطه از جهان، صریح و شجاعانه، اعلام موضع کند.» در همین راستا، معظم‌له تشکیل سازمان همکاری‌های اسلامی با موضوع فجایع میانمار را ضروری خواندند. در زمینه ظرفیت‌های دیپلماسی فعال و حمایت از آوارگان و مهاجران مسلمان میانمار‏ی نظر دکترحسین شیخ‌الاسلام و دکترسعدالله زارعی دو نفر از تحلیلگران مسائل بین‌المللی را جویا شدیم که به استحضار شما نیز خواهد رسید.

جاهایی که مسلمانان در اقلیت روبه‌رشد هستند، کاری کنند که جلوی رشد اسلام گرفته شود. کاری که دولت یا ارتش میانمار انجام می‌دهد، دست کمی از دولت ایتالیه، اتریش، فرانسه و انگلیس در زمینه حمله و بی‌حرمتی به مقدسات اسلامی ندارد. ما باید اینها را در یک مسیر قرار دهیم؛ آنگاه شاهد خواهیم بود که ریشه‌های چنین اتفاقاتی در جهان اسلام خشک می‌شود.

***آیا برگزاری نشست اسلامی یا بین‌المجالس اسلامی می‌تواند در این راستا مؤثر باشد؟**

شیخ‌الاسلام: اینها باید حرکت‌شان را جدا از هر گونه نتیجه انجام دهند. مقر بین‌المجالس اسلامی یا بین‌المجالس آسیایی در تهران است؛ اینها باید کار کنند به ویژه آنکه وابستگی‌های کمتری به قدرت‌های بزرگ دارند.

زارعی: به‌طور طبیعی نشست اسلامی یکی از آن جاهایی است که باید واکنش سریع نشان بدهد و نگذارد چنین مصیبت‌هایی در سکوت خبری ادامه پیدا کند.

***چرا جمهوری اسلامی آن‌طور که باید و شاید با این موضوع در چند سال گذشته برخورد نکرده است؟**

شیخ‌الاسلام: به نظر من، جمهوری اسلامی برخلاف انتقادات بسیاری، در ماجرای میانمار وظیفه خود را خوب انجام داده و می‌دهد. از جمله اینکه در نشست اسلامی آقای روحانی، رئیس‌جمهور مطرح کردند که «ما تلاش کردیم کمک برسانیم. هیئت‌هایی را به سازمان‌های بین‌المللی فرستادیم و صدای‌مان را بلند کردیم.» از عالی‌ترین مقام که رهبر معظم انقلاب باشند تا روزنامه‌نگار‏های‌مان در این قضیه دخیل هستند.
زارعی: متأسفانه، اولویت وزارت خارجه

ما گسترش مناسبات با جهان اسلام نیست؛ وزارت خارجه ما یکی دو نقطه مرکزی سیاسی را علامت‌گذاری کرده و همه توجهات وزارت خارجه در آنجاست. اگر حجم مسافرت‌های وزارت خارجه را مشاهده کنید، متوجه می‌شوید که اساساً شرق آسیا، آفریقا و حوزه عربی در برد دیپلماتیک ما نیست یک حوزه‌های خاصی مورد توجه دیپلماتیک ماست که این مسئله سبب می‌شود وقتی حادثه‌ای در جایی علیه مسلمانان پیش می‌آید، ما اساساً خبر را با تأخیر دریافت کنیم و در وقت واکنش هم به حداقل‌ها بسنده می‌شو‏د. در حالی که شأن یک کشور انقلابی بیش از اینهاست.



نیروی خارجی و بیگانه را ندارد و به همین دلیل دنبال نیروهای کاتالیزور در درون جامعه نخیکی و همچنین مسئولان کشور است تا بتواند به شیرین‌سازی رفتار آمریکا در قبال ایران بپردازد.

۴- بی‌ثبات‌سازی: آمریکا در رفتار خود قائل به یک برنامه چند مرحله‌ای است تا در مرحله اول به بی‌ثبات‌سازی کشور بپردازد و این اقدام را با تحریم‌ها، فعالیت‌های کور تروریستی و تنگ کردن معیشت مردم عملی کرده و در مرحله بعد با افزایش روند بی‌ثباتی در حوزه‌های مختلف و سراسری شدن آن، اهداف ثانویه خود را دنبال می‌کند.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران و مردم باید مراقب برنامه دشمن در تغییر محاسبات باشند

و اجازه ندهند آمریکا این برنامه را به دلیل نبود درک عمیق از طرح کلان دشمن در داخل برای تغییر نظام به جلو ببرد.

از موضع طلبکار
از چند ماه پیش یک جریان سازمان‌دهی شده و یک کمیته برای احیای جریان فتنه و ملت‏هب کردن فضای سیاسی کشور تشکیل شده که می‌خواهد جای متهم و مدعی را در موضوع فتنه عوض کند. فتنه سبب جنایات بزرگی در کشور شد و ضمن خدشه‌دار کردن امنیت ملی و ایجاد انشقاق در مردم، دشمنان خارجی ما را امیدوار کرد. برخی‌ها امروز می‌خواهند از موضع طلبکار، نظام را بدهکار نشان دهند.

^[1] محمدحسین محمزناده، مدیر شبکه قرآن سیما

نرخ سود منفی سراغ داریم

نرخ سود سوئد و سوئیس منفی است؛ یعنی بانک‌ها از پولدارها سود دریافت می‌کنند! اقتصاد وقتی در مسیر درست خود قرار بگیرد، قطعاً درآمدها و قدرت خرید مردم بالا می‌رود، سیل سرمایه‌گذاری و پس‌اندازها به سمت بانک‌ها روان می‌شود، نقدینگی کاهش خواهد یافت و سود بانکی به خودی خود کم خواهد شد و به تعادل خواهد رسید.

اتلاف تا دم پاستور

محمدرضا تاجیک، مشاور سابق رئیس دولت اصلاحات درباره عملکرد روحانی و چرخش او می‌گوید: «من عملکرد فعلی روحانی را بازگشت به اصل خویش می‌دانم. روحانی در انتخابات ۹۶ به قول مولانا از نیستان بریده شد و در یک فضایِ قرار گرفت که چندان با طبیعتش همگون نبود. در انتخابات‌های ۹۲ و ۹۶ فضایی ایجاد شد که روحانی لاجرم در دفتر گفتگمانی خود، تجدیدنظر کرد. اوراقی به آن افزود و آن را رنگین کرد. در یک سیاست توسعه‌یافته، سخن از حرکت ائتلافی متضمن دولت ائتلافی است. قرار نیست که تا دم پاستور ائتلافی باشد و از دم پاستور به بعد، غیرائتلافی کدام منطق و عقلانیت سیاسی چنین حکم می‌کند که از حیاط تا بام خانه متعلق به اصلاح‌طلبان و از بام تا ثریا متعلق به دیگران باشد؟»

آغاز انحراف در شهرداری!

«بیا بیاید تصور کنیم اکنون محمدرضا عارف شهردار تهران بود و وی چنین انتصاب‌هایی را انجام داده بود.» روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب‌یزد با بیان نکته فوق نوشت: «با به راستی این نشریات به همین راحتی و سادگی از کنار این انتصاب‌ها رد می‌شدند؟ قطعاً خیر. در شرایطی که حتی «سخن گفتن» و «سکوت» عارف مورد شدیدترین انتقادهای اعتراضی قرار می‌گیرد، مشخص است که اگر او شهردار بود، اکنون چگونه به او می‌تاختند. چه بسا استاد زیباکلام حکم اعدام وی را صادر می‌نمود! اما شهردار جدید به واسطه پشتیبانی رسانه‌های متعدد یک حزب خاص از وی، مورد پرسش قرار نمی‌گیرد. ممکن است همین موضوع ماهی و آغاز انحراف باشد. شهردار سابق هم به لطف برپاکردن یک امپراتوری رسانه‌ای به راحتی از کنار ابهامات و سؤالات می‌جست.»

فتنه جدید

با حمایت رسمی نانیاهو از طرح همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق اقدام خطرناک بارزانی برای تجزیه عراق و آغاز دور جدید بحران در منطقه نمایان تر شد. بنیامین نانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با وجود مخالفت‌های داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با تجزیه عراق، از طرح همه‌پرسی استقلال کردستان عراق حمایت کرد. در ژوئن سال ۲۰۱۰، زمانی که «فلاح مصطفی»، مسئول روابط خارجی اقلیم کردستان عراق، در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز، از رؤیای اقلیم کردستان عراق برای تبدیل شدن به «اسرائیل دوم» منطقه سخن گفت، کسی نقشه خیانت مسعود بارزانی را جدی نگرفت.

احزاب خانوادگی

غلامرضا انصاری، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی گفت: «در اوضاع فعلی درازن‌نیزروهایی سیاسی را کاملاً شاهدیم. نیروهای جوان گروه‌های اصلاح‌طلب نیز به دلیل عدم حضور تشکل‌ها در فضای سال‌های قبل ۹۲، عملاً در طول دو دهه گذشته حتی در عرصه کار تشکیلاتی کمتر فرصت خودنمایی و بروز و ظهور داشتند. حال آنکه بعضی احزاب، خانوادگی و چندنفره هستند. در بین احزاب بزرگ نیز تنها حزب اتحاد ملت است که این ضرورت را احساس کرده است.»

تعجب آمریکایی‌ها!

سخنان سنسجیده و نادرست رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، تعجب اندیشکده آمریکایی را هم برانگیخت. بنیاد دفاع از دموکراسی نوشت: «علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران گفته است اگر اتحادیه اروپا در برجام بماند، اما آمریکا از آن خارج شود، ایران از برجام خارج نخواهد شد. او توضیح نداده که در این صورت توافق عملاً چگونه توافقی خواهد بود؟» این اندیشکده می‌افزاید: «سخنان صالحی در حالی است که کمال خرازی(وزیر خارجه سابق ایران) گفته است؛ اگر آمریکا از برجام خارج شود، برجامی باقی نخواهد ماند و باید سیاست‌های قبلی خود را پی بگیریم.»



سازمان حمایت باید از فساد مصون بماند

رخداد

سایه روشن سفر ولی عهد سعودی به تل آویو

□ **محمدرضا مرادی/** عربستان در چند سال گذشته سطح روابط خود با رژیم صهیونیستی را از حالت پنهان به حالت نیمه‌اشکار درآورده است. در واقع از زمان سلطنت ملک سلمان سیاست‌های عربستان بر این امر استوار شده است که زمینه‌ها را برای برقراری روابط رسمی با صهیونیست‌ها فراهم کنند. از این رو در دو سال گذشته مقامات رسمی و نیمه‌رسمی عربستان دیدارهای متعددی با مقامات صهیونیستی داشته‌اند. در همین زمینه سه ماه پیش عزرائیل کاتز، وزیر اطلاعات و حمل‌ونقل اسرائیل، از ملک‌سلمان، پادشاه عربستان خواست از بنیامین نتانیاھو برای سفر به عربستان دعوت به عمل آورد و همچنین ولی‌عهد خود، یعنی محمدبن سلمان را برای پیشبرد منافع مشترک و مقابله با ایران راهی تل‌آویو کند. به تازگی نیز خبرگزاری‌های عربی از سفر محمدبن سلمان ولی‌عهد سعودی به سرزمین‌های اشغالی خبر دادند. خبر سفر محرمانه شاهزاده سعودی به سرزمین‌های اشغالی یک روز پس از آن منتشر شد که «بنیامین نتانیاھو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد، روابط بین صهیونیست‌ها و جهان عرب هیچ‌گاه تا این اندازه عالی نبوده است. یک مقام اطلاعاتی اماراتی سفر مخفیانه محمدبن‌سلمان به فلسطین اشغالی را نتیجه فشارهای فزاینده‌ای داشت که به تازگی برای به رسمیت شناختن اسرائیل به عربستان وارد شده است. در همین حال، چند خبرنگار صهیونیست نیز در صفحات شخصی خود در توئیتر مدعی شدند شاهزاده سعودی که هفته گذشته به تل آویو آمد، «محمدبن‌سلمان» بود. هرچند وزارت خارجه رژیم صهیونیستی و عربستان هیچ واکنشی به این خبر نشان ندادند، اما رادیواسرائیل به نقل از اسپوتنیک، هدف از سفر این شاهزاده سعودی به سرزمین‌های اشغالی را گفت‌وگو با مقامات ارشد رژیم صهیونیست‌ها درباره پیشبرد مذاکرات سازش میان صهیونیست‌ها و فلسطینیان اعلام کرد.

اهمیت این سفر در آن است که بین ریاض و تل‌آویو هیچ رابطه رسمی وجود ندارد و در جهان عرب تنها دو کشور اردن و مصر با صهیونیست‌ها روابط رسمی دارند. اما در شرایط کنونی ایران به نقطه مشترک ریاض و تل آویو تبدیل شده است. همسویی عربستان و صهیونیست‌ها به ویژه با محوریت ضدیت با ایران موضوع تازه‌ای نیست و اسنادی که «ویکی‌لیکس» به تازگی در این‌باره منتشر کرده، نشان می‌دهد روند نزدیکی تل آویو و ریاض به سال‌های میانی دهه ۹۰ برمی‌گردد که عربستان برخی از شرکت‌های مرتبط با صهیونیست‌ها را از فهرست تحریم‌های خود خارج کرد. نزدیکی میان صهیونیست‌ها و عربستان در سال ۲۰۰۲ و با ارائه طرح صلحی از سوی ریاض قوت گرفت و در سال ۲۰۰۵ نیز با برداشته‌شدن تحریم‌های سطح سه و دو از سوی ریاض، ارسال پالس‌های مثبت به تل آویو ادامه یافت. بنا بر گزارش نیویورک‌تایمز، منیر داگان، رئیس اسبق مוסاد، در سال ۲۰۱۰ میلادی برای انجام مذاکراتی مخفی درباره برنامه هسته‌ای ایران به عربستان سفر کرد. در ماه‌های اخیر نیز اعطای حق مالکیت دو جزیره تیران و صنایع به عربستان سبب می‌شود عربستان و مصر به صورت مشترک بر عبور و مرور کشتی‌های رژیم صهیونیستی از تنگه تیران نظارت داشته باشند که عملاً دریچه‌ای را برای همکاری بیشتر این دو رژیم باز می‌کند.

در واقع اکنون که دوران نبرد با داعش به روزهای پایانی خود نزدیک شده است و ایران از جمله بردگان این نبرد است، صهیونیست‌ها و عربستان که بازندگان واقعی دوران مبارزه با داعش بوده‌اند، سعی دارند برای مقابله با ایران روابط خود را تقویت کنند. رژیم صهیونیستی نگران آن است که نیروهای تحت حمایت ایران به مرزهای جولان نزدیک شوند و عربستان همچنان از روند رو به رشد نفوذ ایران در منطقه نگران است. بنابراین این دو با تعریف کردن ایران به دشمن مشترک خود سعی دارند که به تدریج روابط خود را به سطح رسمی ارتقا دهند. از سوی دیگر عربستان در اوضاع کنونی به شدت تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا است و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال آن است روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل را تقویت کند.

در مجموع می‌توان گفت، پادشاهی محمدبن‌سلمان و کودتای وی علیه محمدبن‌نایف ولی‌عهد برکنارنده عربستان که با حمایت‌های ترامپ انجام گرفت، هزینه‌های زیادی برای ریاض داشته است که شناسایی ریاض از جمله این هزینه‌ها بوده است.

اخبار

گزارشی از وضعیت اپوزیسیون ضد ایرانی در آمریکا



دیوار برای بافتن را «دیوار سیاست» می‌بینند. در آمریکا مانند اپوزیسیون حرف زدن، بی‌زیست است و آمریکا برای آن بودجه می‌دهد. وگرنه افراد بزرگ آنها مانند: «سازگار و گنجی» که اوچ‌شان در سال ۸۸ بود دیگر گم شده‌اند؛ زیرا این کار یک تجارت است. امروز اپوزیسیون یک جوک است. برای نمونه رضا پهلوی سال ۱۹۸۹ در پاریس سخنرانی کرد و گفت: به زودی همدیگر را در تهران ملاقات می‌کنیم. یک خانمی به او گفت: اگر در این ۱۰ سال سینه‌خیز هم می‌رفتم به تهران می‌رسیدم. بیشتر این افراد انگلیسی نمی‌دانند و در تجارت هم موفق نشدند و در نوستالژی گذشته خود مانده‌اند. آنها از فضای ایران دور هستند و در یک فضای ایزوله فقط خیال‌پردازی می‌کنند. بسیار متأسفم که عده‌ای در داخل، این سیگنال را به بیرون می‌دهند که اگر ما رأی بیوروم، می‌توانیم سپاه را تضعیف کنیم. در کجای دنیا قدرت نظامی را در مقابل اجنبی تضعیف می‌کنند که در داخل این کار را انجام می‌دهند؟ این کار با این نیت انجام می‌شود که ما می‌توانیم مشکلات‌مان با آمریکا را حل کنیم، در حالی که اگر این گزاره «عوام‌فریبی» نباشد یک «خودفریبی» است.»

برخی سفارت‌خانه‌ها به کسب و کار مشغول هستند



کشورمان در دیگر کشورها به کمیسیون اصل ۹۰ واصل شده بود، گفت: «در همین راستا نیز گزارش‌هایی در کمیسیون تدوین شد که با پایان یافتن مجلس نهم، این موضوع مسکوت ماند.» وی با تأکید بر اینکه برخی از سفارت‌خانه‌های کشورمان در دیگر کشورها غیرفعال هستند، ادامه داد: «وزارت امورخارجه باید رویه انتخاب سفیرا در حداقل در کشورهایی که مرادفات بیشتری با جمهوری اسلامی ایران دارند، تعدیر دهد و افرادی خارج از این وزارتخانه که قدرت و کارایی بیشتری دارند را انتخاب کند.» نماینده مردم کبودرآهنگ در مجلس با اعلام اینکه در برخی از سفارت‌خانه‌های ایران، سفرا در حوزه مأموریت خود فعال نیستند و به کسب‌وکار مشغول هستند، افزود: «امروز در زمینه بازاریابی، صادرات، واردات و مرادوات مالی تاجر مشکلاتی داریم و تاجر بارها نسبت به این مسئله و نیز همراهی نکردن سفارتخانه‌ها گله کرده‌اند که این نشان از نداشتن کارایی سفیر است.» پورمختار با بیان اینکه در مجلس نهم و در سمت رئیس کمیسیون اصل ۹۰ به صورت ناشناس وضعیت برخی از سفارت‌خانه‌های کشور در خارج را بررسی کرد.

محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در شرایط فعلی کشور مأموریت خطیری را به خصوص در زمینه رصد و نظارت بر گران‌فروشی‌ها به‌عهده دارد. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تنها سازمان تخصصی کنترل و بررسی قیمت، دوران ظهور و افولی را طی سالیان متوالی سپری کرده که باید از فساد مصون باشد و به نقطه اوج خود بازگردد.

ذره‌بین

کاسبان رفع حصر

□ **حسین عبداللهی‌فرا/** یک جریان سیاسی هر از گاهی بر سر موضوع حصر سران فتنه جنجال رسانه‌ای ایجاد کرده و خواستار رفع حصر می‌شود. آخرین فضاسازی در این باره پس از شکل‌گیری دولت دوازدهم و بیماری یکی از سران فتنه شکل گرفت. در این فضاسازی اصلاح‌طلبان تلاش کردند به منظور ابراز ناخرسندی خود از ترکیب کابینه، از این طریق دولت را تحت‌فشار قرار داده و نتایج رفتار رئیس‌جمهور در بی‌توجهی به مطالبات این جریان را به وی گوشزد کنند.

محصول این فشارها که به مجلس شورای اسلامی نیز کشید، تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی بود که نتیجه‌ای جز تصمیم بر ادامه حصر نداشت و اصلاح‌طلبان متوجه بی‌ثمر بودن فشارهای خود به دولت شدند. به دنبال این ناکامی، جریان رسانه‌ای وابسته به اصلاح‌طلبان دست به کار شده تا نظام و رهبری آن را مقرر نشان داده و موج جدیدی را در این راستا تدارک ببیند.



اظهارنظر جانشین سازمان اطلاعات سپاه مبنی بر ورود نکردن رهبری در موضوع حصر سران فتنه در همین راستا ارزیابی می‌شود. سردار نجات تأکید کرد: «حصر سران فتنه بنا به تقاضای قوه قضائیه و تصویب شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته و حتی یک رأی مخالف نداشته است.»

پیام این سخن به مدافعان رفع حصر این است که راه‌حل این مسئله از طریق شورای‌عالی امنیت ملی است و راه‌حل دیگری ندارد.

اینکه بیان این واقعیت چه تأثیری بر تاکتیک این جریان داشته باشد، مشخص نیست؛ اما مسلم است که موضوع رفع حصر برای کاسبان رفع حصر به منزله یک راهبرد در دستور کار قرار دارد و بعید است از منافع این کاسبی به سادگی چشم‌پوشی کنند.

نکته قابل توجه در این موضوع آن است که مدافعان رفع حصر بزرگ‌ترین مخالفان آن نیز هستند و افول آن را به زیان خود می‌دانند. از همین رو، می‌توان گفت در ماجرای رفع حصر سران فتنه جای موافق و مخالف عوض شده و اصلاح‌طلبان بی‌دلیل و بدون مدرک مخالفان سیاسی خود را موافق ادامه حصر معرفی می‌کنند. این در حالی است که رفع حصر در شرایط طبیعی موافقان بسیاری دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

اولین موافقان رفع حصر، ملت ایران و شاکیان خصوصی سران فتنه‌اند که در انتظار اجرای عدالت درباره مجرمان فتنه ۸۸ هستند. بی‌تردید، اعمال قانون درباره متخلفان سبب کاهش جرم‌های بزرگ و افزایش امنیت می‌شود.

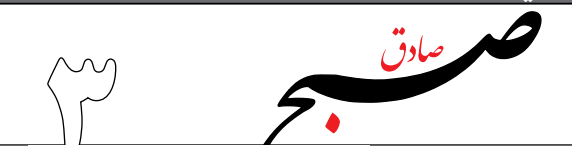
موافق بعدی رفع حصر، دستگاه قضایی است که آماده محاکمه آنها بوده، اما نسبت به تمکین فتنه‌گران و جریان حامی آنها نگران دارد.

نیروها و دستگا‌ه‌های امنیتی را باید بزرگ‌ترین حامی رفع حصر معرفی کرد که در این زمینه مسئولیت داشته و خواسته آنها کاهش ضریب احتمالات امنیتی ناشی از حصر است؛ اما آنها دغدغه افزایش مسائل امنیتی ناشی از رفتارهای تنش‌آفرین سران فتنه و حامیان آنها را پس از حصر نیز دارند.

دولت هم خواستار رفع حصر بوده و از بین رفتن زمینه فشار جریان‌های سیاسی و فضاسازی آنها را به سود خود می‌داند؛ اما از نوع رفتار سران فتنه و برخورد آنها با دولت که می‌تواند آرامش فعلی جامعه را تحت‌تأثیر خود قرار دهد، نگران است.

بیشترین سود رفع حصر نصیب جریان اصولگرا می‌شود که بی‌دلیل موافق ادامه حصر معرفی شده است. در حالی که جریان رقیب بیشترین بهره‌برداری را از این سوزه کرده و در آینده نیز برای برخی اهداف انتخاباتی خود به آنها نیاز دارد و جریان اصولگرا هزینه آن را می‌پردازد.

نظام مقتدر اما مظلوم جمهوری اسلامی هم که بیشترین هزینه را به دلیل فتنه‌گری سران فتنه متحمل شده و همچنان در این رابطه هزینه می‌پردازد، موافق اصلی رفع حصر به شمار می‌رود.



تبیین

ابعاد نفوذ فرهنگی در اندیشه امام‌خامنه‌ای-۲

□ **حسن خداده/** یکی از خطاهای نفوذی که مدتی کوتاه پس از پایان مذاکرات هسته‌ای از سوی طرف مقابل پیگیری شد، خط نفوذ فرهنگی بود. از منظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. در مقاله شماره پیشین به دو بعد «هویت‌سازی در جهت اهداف غرب» و «شناسایی و هدایت مسئولان ضعیف در حوزهٔ فرهنگ» اشاره کردیم.

۳. ایجاد بسامد تبلیغاتی مسموم علیه منتقدان فرهنگ غیراسلامی با برجسته‌سازی حربه ی آزادی؛ یکی دیگر از محورهای اساسی در تبیین نفوذ فرهنگی، ایجاد بسامد تبلیغاتی مسموم علیه منتقدان فرهنگ غیراسلامی با برجسته‌سازی حربه آزادی و تأکید بر مسییره‌ها و ابزارهای نوینی است که در مقایسه با روش‌های پیشین یک ویژگی مختص به خود، یعنی خنثی بودن و غیرحساسیت‌زا بودن را دارا است. این ابزارها دایره‌ای از آثار ادبی، هنری، کتاب، مقاله و… است که یا در حیطه زیبایی‌شناسی یا در حیطه علم جای می‌گیرند و معمولاً به منزله آثار خنثی و دغدغه‌های درونی بشری به آنها نگریسته می‌شود. رهبر معظم انقلاب با تأکید به این مسیرهای جدید می‌فرماید: «اینکه ببینیم کسانی با استفاده از هنر، با استفاده از بیان، با استفاده از ابزارهای گوناگون، با استفاده از پول، راه مردم را برزند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنسبیینم تماشا کنیم و بگوئیم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست.» (۱۳۹۳/۰۱/۰۱)

ایشان در سال‌های پیش نیز در خلال بیانات خود این امر را تأکید کرده‌اند؛ زیرا با دوراندیشی این مسئله را درک کرده بودند که همین ابزار در آینده به مسیرهای اصلی دشمن تبدیل خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۰ فرمودند: «متأسفانه در بعضی از برنامه‌های هنری و رادیو و تلویزیون ما، انسان می‌بیند که کسی بعد از ۳۰ سال کار، احساس می‌کند که کارش به هدر رفته و عمرش تلف شده است! این فرهنگ، فرهنگ اسلامی و قرآنی نیست؛ فرهنگ باید در هنر ما هم منعکس بشود. این مفاهیم باید در نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها، سینما، تلویزیون و رادیوی ما انعکاس یابد.» (۱۳۷۰/۰۲/۱۱)

البته منظور امام‌خامنه‌ای از بیان این مسئله، نفی انتقاد در آثار مختلف بشری نیست. ایشان بارها به وظیفه خالقان آثار مخالف اشاره داشته و می‌فرمایند: «نگاه نقادانه خود را نسبت به اوضاع فرهنگی حفظ کنید و با منطق محکم و بیان روشن و صریح، به مسئولان تذکر دهید؛ اما در این زمینه باید از تمیزت‌زنی، جنجال‌افرینی و تکثیر کاملاً خودداری کرد و مجموعه انقلابی کشور امع از جوانان مؤمن و بزرگان و نخبگان، با منطق محکم و نگاه نقادانه، نقاط ضعف را به نرخ ما مسئولین بکشند که این همان عزم ملی و مدیریت جهادی در زمینه فرهنگ است.» (۱۳۹۳/۰۱/۰۱)

۴. عملیات هماهنگ در چارچوب فضای مجازی امام‌خامنه‌ای با توجه به اینکه دشمن به فراخور وضعیت و روحیات جامعه، نسخه‌های مختلفی را برای استحاله فرهنگی جامعه اسلامی ایران، تجویز می‌کند، مقوله‌ای به منزله «اتوتی فرهنگی» را در گفتمان خود به کار برند. رهبر معظم انقلاب از این اصطلاح از آرنو استفاده کردند که اراده و عزم راسخ آمریکا و غربی‌ها برای تضعیف و نابودی دشمن را در اندک‌ن متبادر کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اتوتی فرهنگی، یعنی در مقابل بیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی سابق یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند و برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند.» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

مطمئله ابزار ناتوی فرهنگی را فضای مجازی که به دنبال گسترش وسایل ارتباط جمعی و نیز فضای مجازی، برقراری ارتباط را بسیار تسهیل کرده است، دانسته و خاطر‌نشان می‌کنند: «مجموعه زنجیره به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون برای تضعیف و نابودی دشمن را در اندک‌ن متبادر کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اتوتی فرهنگی، یعنی در مقابل بیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی سابق یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند و برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند.» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است.» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

یادداشت

ردپای صهیونیست‌ها در کشتار مسلمانان میانمار

□ **محمدرضا بلوردی/** در بسیاری از مناطق وقتی که موضوع کشتار کودکان، زنان و سالمندان، آواره شدن غیرنظامیان و تخریب خانه‌ها مطرح می‌شود، اثری هم از رژیم صهیونیستی نیز دیده می‌شود؛ چه با حضور مستقیم و نقش آشکار حقوق بشر و چه به صورت غیرمستقیم و در جایگاه حامی عاملان جنایاتی که صورت می‌گیرد. کشتار مسلمانان در میانمار و اقدامات نژادپرستانه حکومت این کشور علیه اقلیت «روهینگیا» از آخرین مواردی است که ردپای صهیونیست‌ها هم در آن دیده می‌شود. در وضعیتی که اقدامات وحشیانه حکومت میانمار علیه اقلیت مسلمان این کشور با محکومیت‌های هر – چند ظاهری – جامعه بین‌الملل و سازمان‌های حقوق بشری مواجه شده است؛ اما رهبران رژیم صهیونیستی همچنان به فروش سلاح به مقامات میانماری ادامه می‌دهند و وزارت جنگ رژیم صهیونیستی تصریح کرده است با موضوع توقف فروش سلاح به دولت میانمار مخالف است؛ موضوعی که روزنامه رژیم صهیونیستی «هآرتس» هم در گزارشش به آن پرداخته و در مطلبی با عنوان «به رغم شدت گرفتن خشونت‌ها، اسرائیل فروش سلاح به میانمار را ادامه می‌دهد» آورده است که دولت صهیونیستی اصرار دارد تسلیحات خود را به دولت میانمار بفروشد و چشم خود را روی جنایات این کشور بسته است.

رژیم صهیونیستی درحالی فروش سلاح به میانمار را ادامه می‌دهد که اتحادیه اروپا و آمریکا فروش تسلیحات به این کشور را ممنوع کرده‌اند و همین امر سبب شده است تا سازمان‌های حقوق بشری انتقادهای گسترده‌ای به رژیم صهیونیستی داشته باشند؛ این سازمان‌ها تأکید می‌کنند که صهیونیست‌ها به تازگی بیش از ۱۰۰ تانک و قایق جنگی و مقادیر بسیاری سلاح‌های سبک را به دولت میانمار فروخته‌اند. با اینکه یکی از شرکت‌های صهیونیستی در زمینه آموزش نیروهای ویژه میانماری در ایالت شمالی راخین (جایی که علیه مسلمان جنایت می‌شود) فعالیت می‌کند.

البته موضوع فروش سلاح‌های صهیونیستی به دولت میانمار مسئله جدیدی نیست و پیشتر هم پایگاه خبری «اللا» که خبرهای نظامی و امنیتی صهیونیست‌ها را منتشر می‌کند، گزارش داده بود که بین رژیم صهیونیستی و حاکمان نظامی میانمار ارتباطاتی وجود داشته است و همین نظامیان بودند که جنایات بسیاری را علیه مسلمانان روهینگیا مرتکب شده بودند. براساس گزارش پایگاه والا، همکاری‌های نظامی بین رژیم صهیونیستی و میانمار از سال ۱۹۵۳ وجود داشته و همچنان هم ادامه دارد. طبق این گزارش برخلاف تحریم‌های سازمان ملل علیه حاکمان نظامی سابق میانمار، رژیم صهیونیستی در رأس کشورهای است که به میانمار سلاح صادر می‌کنند؛ درحالی که مقامات این رژیم به خوبی می‌دانستند چه جنایت‌هایی علیه مسلمانان در این کشور صورت می‌گیرد و هدف از این کمک‌های نظامی هم سرکوب تظاهرات اعتراضی علیه نظامیان حاکم بود.

پیشینه روابط میانمار و رژیم صهیونیستی به سال ۱۹۵۳ بازمی‌گردد و «اونو» نخست‌وزیر میانمار، اولین مسئول خارجی بود که به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده (۱۹۵۵) و با مقامات صهیونیستی ملاقات کرد؛ این ملاقات سبب گسترش روابط نظامی بین دو طرف شد و رژیم صهیونیستی هواپیماهای «اسپیت‌فایر» را در اختیار میانمار قرار داد. ضمن اینکه در ادامه هم در سال ۱۹۵۸ افرادی مانند: «بن گوربین، موشه دایان و شیمون پرز» به میانمار سفر کردند و در سال‌های اخیر هم ژنرال «مهن اونگ هایینگ» فرمانده کل ارتش میانمار، کسی که مسئول کشتارهای مسلمانان روهینگیا است، از سرزمین‌های اشغالی دیدن کرد (۲۰۱۵) و با «ژرفوین روفلین»، رئیس رژیم صهیونیستی، «گادی اینزکوت»، رئیس ستاد ارتش و «موشه یعلون» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی ملاقات کرد. همچنان که در سال ۲۰۱۶ نیز «میشل بن باروخ»، رئیس بخش پشتیبانی امنیتی وزارت جنگ رژیم صهیونیستی به میانمار سفر کرد.

^[1] رژیم صهیونیستی درحالی فروش سلاح به میانمار را ادامه می‌دهد که اتحادیه

^[2] رژیم صهیونیستی درحالی فروش سلاح به میانمار را ادامه می‌دهد که اتحادیه



دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۶
سال هجدهم
شماره ۸۱۶

صادق



آن روی سکه

شفافیت لازمه توسعه اقتصادی

□ **محمد نوری** / نبود شفافیت اقتصادی، پیامدهای منفی دارد و موجب کُند شدن روند تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشورها می‌شود. همچنین، زمینه بروز فساد اقتصادی را فراهم می‌کند که این موضوع سبب کاهش درآمدهای اقتصادی کشور می‌شود.

اگر اراده‌ای در دولت‌ها برای برخورد با فساد اقتصادی وجود نداشته باشد، روند فساد فراگیر شده و با بروز فساد در سطوح بالای مسئولیتی، مسائل زیان‌باری گریبان دولت را خواهد گرفت که به دنبال آن ناکارآمدی سیاست‌های دولت ظهور و بروز خواهد کرد.

فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی کشور را از شکل مولد و کارآمد آن خارج کرده و به سوی رانت و فعالیت‌های غیر مولد و ناکارآمد سوق دهد. فساد اقتصادی می‌تواند سبب پیدایش سازمان‌های مافیایی شود که روند اقتصاد سالم را از مسیر اصلی خارج کند. افزون بر این، فساد با هدر دادن منابع ملی همراه است.

با توجه به اینکه فساد، منابع مالی را از هدف خود منحرف می‌کند، این منابع نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشورها کنند. مجموعه این موارد دولت‌ها را بر آن می‌دارد که در زمینه شفافیت مالی و مبارزه با فساد اقتصادی اقدام و عمل کنند.

اساسی‌ترین سیاست‌های شفافیت مالی و به تبع آن مبارزه با فساد اقتصادی را می‌توان در تدوین و اجرای اصلاحات اقتصادی که مبین شفافیت مالی و اقتصادی باشد، جست‌وجو کرد. دولت می‌تواند با حمایت از نهادهای سازمان‌های مردم‌نهاد ضد فساد، افزایش دستمزدها در بخش عمومی، کاهش نقش بنگاهداری خود در اقتصاد، تقویت سازمان‌ها و نهادهای حسابرسی مالی، کمک به دستگاه قضایی در برخورد لازم با فساد مالی موجود در سطح مسئولان متخلف اجرایی، زمینه‌سازی مشارکت شهروندان در حوزه مبارزه با فساد و شفاف‌سازی اقتصادی، فرهنگ‌سازی در بین مردم در برخورد با فساد اقتصادی در جامعه، سبب شفافیت اقتصادی و اقدام و عمل مناسب در مبارزه با فساد اقتصادی شود.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای نبود شفافیت مالی و وجود فساد اقتصادی در کشور، بروز بی‌عدالتی در جامعه خواهد بود که تبعات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

انتشار اطلاعات شفاف مالی و اقتصادی در سطح جامعه، به ویژه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی دولت و بخش خصوصی، موجب به وجود آمدن فضای تفاهم، اعتماد و همکاری میان شهروندان و دولت شده و اعتماد ملت به حکومت را رقم خواهد زد که این اعتماد بزرگ‌ترین سرمایه یک دولت نزد ملت است.

از سوی دیگر اگر با انعکاس اخبار مربوط به فساد مالی در جامعه فضای تفاهم، اعتماد و همکاری میان شهروندان و دولت خدشه‌دار شده و اعتماد عمومی لطمه ببیند، اولین ضرر را خود دولت خواهد دید و مردم دیگر اقبالی به آن نخواهند داشت.

با این توصیف، اگر دولتی بخواهد در صحنه اجرایی کشور باقی بماند، باید در مقابله با فساد اقتصادی، اقدامات جدی در جهت شفافیت، سالم‌سازی فضای اقتصادی و افزایش شفافیت مالی انجام دهد.

پایش

□ **سعید فخرالدین موسوی** / صبح

شنبه، ۲۵ شهریور ۱۳۹۶، روزنامه‌های کشور در حالی روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها رفتند که واکنشی کاملاً متفاوت درباره اتفاقات پیرامون برجام در صفحه اول آنان وجود داشت، روزنامه‌های حامی دولت که گویا برجام را سندی مقدس می‌دانند، با کمترین اشاره به تحریم‌های جدید ایالات متحده علیه کشورمان، تمدید تعلیق بخشی از تحریم‌ها را تیتیر یک کردند.

روزنامه اصلاح‌طلب «بهار» که به تازگی به جمع رسانه‌های زنجیره پیوسته است، تیتیر درشت: «برجام پا برجا» را به منزله تیتیر یک خود انتخاب و درباره دلایل امتداد برجام می‌نویسد. روزنامه «اعتماد» نیز، «تمدید تعهد در سایه ریسمان باقی» را برای صفحه اول خود برگزید و نوشت: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده یکبار دیگر اجرای تحریم‌های هسته‌ای ایران را به حالت تعلیق درآورد.»

در میان تمام غرولندها، تهدیدها و هشدارها، یکبار دیگر کلیددار کاخ سفید اعلام کرد که بر مبنای توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱

**جلوگیری از قاچاق
بنی ایجاد ۷۰۰ هزار شغل**

حسینعلی حاجی‌دلگانی، نماینده مردم شاهین‌شهر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه آمار اشتغال ایران به دلیل واردات گسترده قاچاق و همچنین واردات کالاهای با مشابه داخلی در میان کشورهای منطقه نیز وضعیت مناسبی ندارد، گفت: در صورتی که جلوی قاچاق گرفته شود، ۷۰۰ هزار فرصت شغلی در کشور به وجود می‌آید که این میزان با جلوگیری از واردات کالاهای با مشابه داخلی نیز برابر است و با جلوگیری از واردات این کالاها نیز می‌توان ۷۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کرد.

خرید تولیدات داخل مصداق امر به معروف است



هستند؛ البته در بین همه این کشورها بیشترین میزان واردات از چین انجام شده است.

ورود هفت میلیارد تومان خودکار

بر اساس همین آمار، بیش از ۵۰۵ تن خودکار نیز به کشور وارد شده است که ارزش دلاری این میزان دو میلیون و ۴۲۳ دلار و ارزش ریالی آن بیش از هفت میلیارد تومان در گمرک به ثبت رسیده است. همچنین، در این مدت حدود ۴۵ تن خط‌کش به ارزش دلاری ۱۱۵/۷۲۳ و ارزش ریالی ۳۵۲ میلیون تومان به کشور وارد شده است. میزان واردات کیف مدرسه نیز حدود ۲۱۸ تن بوده که ارزش دلاری آن ۴۲۳/۶۷۶ و ارزش ریالی آن ۲۹۹/۹۱۲/۵۹۳/۲۰ است.

بر پایه این گزارش، حدود ۲۷۳ تن پاک‌کن به ارزش دلاری ۵۵۸/۶۷۰ و ارزش ریالی ۹۳۰/۰۴۷/۴۱۱/۲۰ و حدود ۱۱۰ تن مژگیک‌های‌لایت به ارزش دلاری ۲۲۸/۵۲۷ و ارزش ریالی ۹/۶۱۱/۹۹۰/۱۵ در چهار ماه نخست

۱۳/۵ میلیون دانش‌آموز

طبق آمار ارائه شده، حدود ۱۳/۵ میلیون دانش‌آموز در کشور وجود دارند که به مدرسه می‌روند و اگر هر یک از این دانش‌آموزان به‌صورت متوسط ۳۰ هزار تومان نوشت‌افزار خریداری کنند، حدود ۴۰۵ میلیارد تومان گردش مالی ایجاد می‌شود و این میزان می‌تواند رکود بسیاری از واحدهای تولیدی این صنف را از بین برده و به کار آنها رونق ببخشد. این در حالی است که با روند کنونی بخش اعظمی از این مبلغ به جیب تولیدکنندگان خارجی می‌رود و رونق را برای تولید و اشتغال آنها به‌همراه دارد.

دلیل بیکاری جوانان چیست؟

کافی است به هنگام خرید نوشت‌افزار خارجی به این موضوع فکر کنیم که با خرید جنس مصرفی خارجی که توان تولید داخلی آن وجود دارد، یک جوان ایرانی را بیکار می‌کنیم و سبب توسعه اشتغال و صنعت در کشور صادرکننده می‌شویم. خرید هر کالای خارجی به این معنا است که ما جوانان کشورهایی، مانند چین و ترکیه را به جوانان ایرانی ترجیح می‌دهیم. حتماً بسیاری از جوانان را دیدهاید که از بیکاری شکایت می‌کنند، اما همین افراد در زمان خرید اجناس مصرفی خود به دنبال برند خارجی هستند و اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کنند که یکی از دلایل بیکاری‌شان خودشان هستند.

خرید تولید داخل مصداق امر به معروف

هر یک از مردم، مسئولان و فعالان اقتصادی برای حمایت از تولید داخلی، وظایفی بر عهده دارند. فریضه دانستن استفاده از تولیدات داخلی، تبدیل استفاده از تولیدات داخلی به

اخبار اقتصادی

**میزان مصرف شیرینی
هر ایرانی**

جمشید مغازهای، دبیر اتحادیه شرکت‌های تولیدکننده شیرینی گفت: «ظرفیت تولید سالیانه ۲/۵ میلیون تن شیرینی‌جات، شکلات، انواع تافی، آدامس و بیسکویت در کشور وجود دارد؛ اما ما در بهترین حالت سالیانه ۱/۷ میلیون تن تولید می‌کنیم.» وی افزود: «هر ایرانی سالیانه به طور متوسط ۲۱ کیلو انواع شیرینی‌جات مصرف می‌کند که ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از کشورهای اروپایی است.»

**جذابیت بازار ایران برای
سرمایه‌گذاران خارجی**

سید اصغری، تحلیلگر اقتصادی ساکن نروژ گفت: «اگر ما بازارهای جهان را به سه دسته توسعه‌یافته، نوظهور و بازارهای پیشرو تقسیم کنیم، ایران جزو گروه سوم است.» وی افزود: «معمولاً به دلیل پتانسیل بالای بازده سرمایه و شانس رشد، سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به حضور در چنین بازارهایی هستند. قیمت‌های نسبتاً ارزان در بازار ایران نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد.»

**رشد قارچ گونه فروشگاه‌های
ترکیه‌ای در بازار**

ابوالقاسم شیرازی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک با بیان اینکه برندهای خارجی تولید داخل را مختل کرده‌اند، عنوان کرد: «در گذشته هر برندی که به کشور وارد می‌شد در سطح فروشگاه‌ها و به دست فروشندگان مختلف به فروش می‌رسید، اما امروز شاهد رشد فروشگاه‌هایی با برندهای ترکیه‌ای هستیم که رشد قارچ‌گونه این فروشگاه‌ها به سبب بخشنامه جدید، کسب‌وکار واحدهای صغفی در زمینه پوشاک را فلج خواهد کرد.

**افزایش بی‌سابقه
واردات از چین**

براساس گزارش گمرک، واردات از چین در دولت یازدهم نسبت به دولت دهم ۷۱ درصد و نسبت به دولت نهم ۲۱۶ درصد بیشتر شده است. نکته مهم‌تر آنکه واردات اجناس چینی در چهار سال دولت یازدهم بیشتر از هشت سال مجموع واردات در دولت‌های نهم و دهم بوده است. در چهار سال دولت نهم ۱۴/۲ میلیارد دلار و در چهار سال دولت دهم ۲۶/۳ میلیارد دلار کالای چینی وارد کشور شده بود.

پژواک

«معنی» در شبکه‌های اجتماعی -۵-

□ **مهدی فرهادی** / رابطه بین دال و مدلول را در اصطلاح «دالات» می‌نامند. برخی از جملات، کلمات و گفتمان‌ها دارای دلالت‌هایی غیر از آنچه هستند که عامه مردم برداشت می‌کنند؛ بر این اساس دلالت بر دو قسم صریح و ضمنی تقسیم می‌شود. همان دلالت‌ها نیز لایه‌های مختلفی از معنا دارند. دلالت صریح، به فرایندهایی در مراتب پایین‌تر و به معانی کم‌پوش عینی‌شانه‌ها ارجاع می‌دهد. برعکس در دلالت ضمنی، پای یک نوع فرازبان در میان است. دلالات ضمنی از این گرایش پیروی می‌کنند که از یک سلسله دلالات صریح قبلی مایه بگیرند و بنا شوند. آنها ایدئولوژیک هستند و به پیروی از ذات خود، روی دست پیام صریح بلند می‌شوند، آن هم با کمک مضمونی غالب یا فراگیر. در این مرحله، میان دالّ و مدلول آنچنان همبستگی ایجاد می‌شود که تشخیص ماهیت آنها، در پارهای موارد به دشواری امکان‌پذیر است. در رسانه‌ها و اطراف خودمان هرچه می‌بینیم دارای لایه‌های دلالت است، دالّ ممکن است یکی باشد، اما دلالت‌های آن به تعداد جوامع و حتی افراد کره زمین متفاوت هستند. هر کسی با توجه به شناختی که از یک دال یا شئیء و یا ممتن دارد معنای خود را برداشت می‌کند، آسان‌ترین معنایی که دریافت می‌شود، دلالت صریح و آشکار است، در این نوع از دلالت افراد به تمرکز بیش از اندازه نیاز ندارند و همین نوع از دلالت چون آسان‌فهم است، مورد اتفاق بسیاری از انسان‌هاست. اما در دلالت ضمنی ما شاهد یک دگرگونی یا حتی گسست هستیم که همین عامل سبب واگرایی تحلیلی یا گفتمانی در میان بشریت می‌شود.



زیربیدیان زمانه ات را بشناس



دغدغه خرید نوشت‌افزار ایرانی هنوز همه‌گیر نشده است؟!



با دو تصادف دو برابر یک طوفان تلفات دادیم



چرا کسی از حقوق این زن‌ها دفاع نمی‌کند؟!



اعتمادبه‌نفس همراه با بی‌احتیاطی در جشن عروس‌کشان



اردوهای جهادی و بازگشت امید به کوره پزخانه‌ها



تجدید میثاق پیرغلامان حسینی با شهدا در آستانه محرم



ظرف‌شویی و لباسشویی کودکان و غفلت از سلامت آنها



یادداشت

تداوم خط سرخ ایثار در جوانان بصیر امروز

□ **مهدی پرچی پور** /بیانات حکیمانه امام خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در وصف شهدای مدافع حرم، اهمیت و میزان هوشمندی و بصیرت نافذ مدافعان حرم را در این بزنگاه تاریخی، بیشتر برای ما روشن می‌کند.

آنجا که معظم‌له در دیدار با خانواده‌های شهدای مدافع حرم، سه امتیاز مهم را برای این شهیدان قائل می‌شوند و می‌فرمایند: «یکی این است که اینها از حریم اهل بیت در عراق و سوریه دفاع کردند و در این راه به شهادت رسیدند.امتیاز دوم این شهدای شما این است که اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور… اگر جلوی‌ش گرفته نمی‌شد ما باید اینجا در کرمانشا و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم.در واقع این شهدای عزیز ما جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی فدا کردند. امتیاز سوم هم این است که اینها در غربت به شهادت رسیدند. این هم یکی امتیاز بزرگی است. این هم پیش‌خداي متعال فراموش نمی‌شود.»

با این وجوه امتیازاتی که رهبر فرزانه انقلاب برای شه‌های مدافع حرم قائل شدند، به خوبی مشخص شد که خط سرخ ایثار و شهادت نه تنها در دل جوان امروزی موج می‌زند؛ بلکه این ویژگی در آنها ممتاز بوده و خط بطلانی بر جریانی است که معتقد است جوانان امروز دیگر همانند جوانان دهه ۶۰ نیستند و اگر جنگی در کشور رخ دهد، حضور کمتری خواهند داشت.

در زمان جنگ تحمیلی ایران و عراق، مسئولان در تبلیغات، جوانان و ملت را برای حضور در جبهه‌ها و مقابله با رژیم بعث تشویق می‌کردند، اما امروز این فضای تبلیغاتی برای حضور عموم ملت در جبهه مقاومت وجود ندارد. امروز جوانان مدافع حرم با هوشمندی،ولایت‌پذیری و عشقی که خوانند در دل‌های آنها گذاشته است، انقلاب اسلامی ایران را به درختی تناور تبدیل کرده‌اند.

مدافعان حرم، برخلاف دوران دفاع مقدس برای مبارزه و جهاد با زحمت به جبهه سوریه و عراق اعزام می‌شوند، به طوری که بسیاری از این جوانان هستند که با اعزام آنها مخالفت شده و خیلی‌ها برای شرکت در این جهاد در نوبت هستند، اما تاکنون موفق به اعزام نشده‌اند.

بسیاری از مدافعان حرم برای انجام این فریضه الهی انتظار می‌کشند. افرادی که حاضرند از حقوق و مزایا و تعلقات مادی و حتی از خانواده خود چشم‌پبوشند. به هر حال شه‌ها و رزمندگان جوان مدافع حرم ثابت کرده‌اند که جوانان مؤمن امروزی می‌توانند الگوی خوبی برای جامعه باشند و همان‌طور که رهبر حکیم انقلاب فرمودند؛ «جوانی که با ایمانش، از هوای خنک خانه گرمای تابستان، رفت در دل حوادث پُر وحشت و جانش را کف دست گرفت تا در برابر تکلیف فدا کند، الگو است؛ شهدای مدافع حرم ثابت کردند که تفکر معنوی انقلاب با قدرت بیشتری در روح جوانان امروز وطن در جریان است.»

حال اگر بخواهیم مدال حماقت را به کسی بدهیم باید به گروه‌هایی داد که شکست طالبان و تورپیست‌ها را دیده‌اند، اما باز هم جا پای آنها می‌گذارند. در این بیخ تاریخی، استکبار در تلاش است تا نظام جهنمی خود را بازتولید کند و با کم‌رنگ کردن ارزش‌های انقلابی و حماسی، جوانان را از مسیر الهی دور سازد.

یادداشت

شهادتی که الگوی شه‌ها شدند

□ **احسان امیری** / «مدافع حرم» واژه‌ای است که از درون گفتمان انقلاب اسلامی برآمده است؛ همان‌طور که سعی و چند سال پیش در همین گفتمان واژه جدیدی به نام «دفاع مقدس» برآمد. به راستی، می‌توان مدعی شد، دفاع مقدس مقدمه‌ای شد برای آنچه امروز می‌توان آن را مقاومت در سرزمین شامات و مرحله مقدماتی عملیات آخ‌الزمان نامید. در دفاع مقدس تبلور زندگی عاشورایی در جامعه مهدوی در جبهه‌ها رقم خورد و این مقدمه‌ای برای تربیت نسل‌هایی شد که امروز بخشی از این نسل‌ها در کسوت مدافعان حرم در نصرت دین خدا مجاهدت کرده و قدم بر می‌دارند.

امروز اگر زندگی شه‌های مدافع حرم را مرور کنیم، آنچه به خوبی متبلور است، الگو بودن بسیاری از شه‌های دفاع مقدس برای شه‌های مدافع حرم است. در آن دوران، اگر شه‌های دفاع مقدس می‌خواستند الگویی داشته باشند، باید به ماجرای کربلا رجوع می‌کردند، از قاسم‌بن‌حسن(ع) تا حبیب‌بن‌مظahr که برای همگان الگو بودند. دفاع مقدس روزگار تجدید این الگوها شد و مدافعان حرم با الگوگیری از شه‌های کربلا و نیز توجه و توسل به شه‌های دفاع مقدس و الگوگیری از آنها پا به عرصه نبرد نهادند.

امروز در حرم خاطرات شه‌های مدافع حرم رفتن به مزار شه‌ها، توجه و توسل به یک شهید خاص و الگو قرار دادن وی و نیز فعالیت در عرصه فرهنگ جهاد و شهادت، به ویژه برگزاری مراسم‌های مربوط به شه‌ها و حضور در راهبان نور و در کسوت خادم‌الشه‌ها بودن بسیار مشهود است. بسیاری از همسران شه‌های مدافع حرم در خاطرات‌شان همراهی با همسرشان در گلزار شه‌های شهر خود را به یاد دارند و زیارت‌های دوره‌ای را که با همسران‌شان از شه‌های گمنام یا گلزار شه‌ها داشتند، بیان می‌کنند.

در این میان، می‌توان از محسن خزایی و هادی باغبانی نام برد که الگویی چون سید شهیدان اهل قلم شهید آوینی داشتند؛ از این رو یکی را آوینی زاهدان می‌نامیدند و دیگری تولید روایت فتح ۱۳۹۳ را در سر داشت. تا شه‌های الگوی خود را شهید ابراهیم هادی قرار دادند. در این میان، شهید سیدمصطفی صدرزاده به عشق ابراهیم هادی، نام جهادی‌اش را سیدابراهیم گذاشت. مرتب کتاب ابراهیم را تهیه می‌کرد و می‌نوشت: «وقف در گردش» و به دیگران می‌داد. همچنین، شهید سیدمیلاد مصطفوی دیگر شهید مدافع حرم که هر طور بود در راهبان نور به کانال کمیل می‌رفت و با ابراهیمش خلوت می‌کرد. شهید حسین معزغلامی نیز از شیفتگان ابراهیم هادی بود و هر هفته به مزار یادبود این شهید می‌رفت.

شهید عباس دانشگر نیز هر زمان که یکی از استادان دانشگاه را که هم‌رزم ابراهیم بود، می‌دید، از او می‌خواست چند جمله‌ای از ابراهیم بگوید. شهید هادی ذوالفقاری نام جهادی‌اش را؛ «ابراهیم‌هادی ذوالفقاری» گذاشته بود. ابراهیم، تمام زندگی هادی شده بود. شهید علی امرایی بیشتر کتاب‌هایی را که درباره شهید هادی بود، خوانده بود و در کنار مزار یادبودش عکس یادگاری گرفته بود. شهید حاج‌حمید اسداللهی از عاشقان ابراهیم بود. روی برخی داستان‌های آموخته‌اند او تمرکز خاصی داشت. شهید محمد کامران از هم‌محله‌ای‌های ابراهیم بود که او را الگوی خودش قرار داد و در مسیر ابراهیم قدم برداشت. شهید مهدی نوروزی ارادت قلبی به ابراهیم داشت. بارها خاطراتش را از او شنیده بودیم.

شهید مرتضی عطایی از مسئولان فاطمیون نیز عاشق شهید هادی بود. شهیددانی همچون شهید محسن حججی نیز شاگرد مکتب شهید حاج احمد کاظمی بودند و از این دست مصداق‌های بسیار است؛ زمانی که در داستان زندگی این شه‌ها مذاقه می‌کنیم، در جای‌جای آن می‌توان اثری از حضور شه‌های مدافع حرم را دید. حتی در میان شه‌های مدافع حرمی که سابقه حضور در دفاع مقدس را داشتند هم می‌توان این علاقه و ارادت به شه‌های دفاع مقدس را مشاهده کرد. نتیجه آنکه دفاع مقدس محملی انسان‌ساز، تاریخ‌ساز و شهیدساز شده است که تا دوران ظهور اثراتش تداوم دارد. ان‌شاءالله



مدافعان حرم ادامه‌دهنده راه شهیدان دفاع مقدس

گروه اول؛ دشمنان انقلاب اسلامی

شوم از چند خاستگاه متفاوت شنیده می‌شد: گروه اول؛ دشمنان انقلاب اسلامی در رأس آنهای آمریکای جنایتکار بودند که بیشترین ضربه را از بسیج و فرهنگ و تفکر بسیجی خورده بودند و از طریق جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای خود این خط را دنبال می‌کردند. گروه دوم؛ برخی جریان‌های سیاسی الهام‌بخش همه جنبش‌های آزادی‌خواهانه‌ای دانست که در طول ۱۴۰۰ سال برای مبارزه با ظلم و جور به پا خاستند. متأثر از همین الگو بود که یاران امام خمینی(ره) و روش‌یافتگان مکتب حسینی حماسه بزرگ شش سال دفاع مقدس را آفریدند و با کمترین امکانات در برابر تهاجم ارتشی ایستادند که مورد حمایت همه‌جانبه قدرت‌های جهانی بود. آنچه در ماجرای دفاع مقدس خلق شد، تنها الگویی برای چگونه‌جنگیدن و دفاع نظامی در برابر دشمن نبود؛ بلکه در دل چادرها و سنگرها و در پس خاک‌ریزها، سبکی از زندگی تولد یافت که در عصر جاهلیت مدرن و غرق شدن آدمی در منجربات شهوت و منفعت‌گرایی، می‌تواند به معبری نورانی برای خوب زیستن و پاک ماندن تبدیل شود و به مثابه چراغ هدایتی برای نجات جامعه بشری عمل کند.

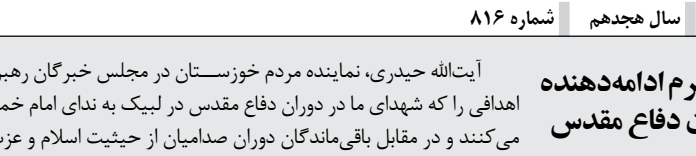
مدلی از زیستن که در سرزمین بسیجیان از ارتفاعات ناهموار کردستان تا دشت‌های هموار خوزستان رونق یافت و نمونه‌هایی از آن را تنها در مکتب حسینی می‌توان مشاهده کرد. سبک زندگی متفاوتی که از جوان بسیجی یک عارف بالله و مجاهد فی‌سبیل‌الله می‌ساخت. به واقع، مدینه فاضله انقلاب اسلامی در اردوگاه‌های بسیجیان در دوکوهه، کرخه، کارون و… عنینت یافته بود. جامعه‌ای آرمانی که در آن همه فضایل انسانی تجلی یافته و از امکان تحقق عینی و دست‌یافتنی بودن آن فضایل حکایت داشت. ساکنان آن سرزمین، اهل آن گونه زیستن بودند که حماسه‌های بزرگ فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر ۸، کربلا ۵ و ۸ و… را در سبزه‌های مقدس شلمچه، طلائی، فاو، جزایر مین و… خلق کردند و نام‌شان برای همیشه در تاریخ ایران‌زمین به بزرگی ثبت شد و تربت پاک‌شان تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشای آزادگان قرار گرفت.

این سبک زندگی مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی دارد که برای کسانی که به آن پایبند بودند، الهیتی را به هم همراه می‌آورد. در این نگاه، بسیجی کسی است که اهل خودسازی انقلابی و ارتباط با خدا، اخلاص در عمل و کار برای رضای خدا، حضور در صحنه، پاک زیستن، عمل مجاهدانه، امید و توکل، تلاش عاشقانه و مؤمنانه، بلند همتی و صاحب اراده، پیشرو بودن و خط‌شکنی، فذغ‌فهمندی و مسئولیت‌پذیری، آرمان خواهی توأم با عمل‌گرایی، تدبیر و رفتار عاقلانه، بصیرت و شناخت دشمن، رعایت نظم و انضباط و قانون، اعتدال و میانه‌روی، فعالیت و نشاط، خدمت به مردم، عمل به تکلیف، عزت و ایستادگی و استقامت، شجاعت و رشادت، ایثار و از خودگذشتگی و… باشد و این خصوصیات و کلیدواژه‌ها، مهم‌ترین دال‌های گفتمان و تفکر بسیجی را تشکیل می‌دهد.

پایان جنگ

یا پایان فرهنگ جهاد و شهادت!؟

منطقی آن بود که این گنجینه عظیم فرهنگ جهاد و شهادت و سبک زندگی و تفکر بسیجی با پایان ماجرای جبه‌ها و جنگ پایان نیابد و با تزریق آن به پشت جبهه، آغازگر تحولی عظیم در جامعه شود و اراده‌ای لازم برای توسعه و آبادانی کشور پس از جنگ نیز از بستر این نگرش و سبک زندگی بیرون آید؛ اما با آغاز دوران سازندگی برخی زرمزه‌ها حاکمی از آن بود که سبک زندگی بسیجی را به الگوی زندگی جنگی و متعلق به گذشته تقلیل دهد و ایتر بودن و پایان آن سخن بگوید. این ندهای



گروه اول؛ دشمنان انقلاب اسلامی

صبح صادق عوامل مؤثر در باز تولید فرهنگ جهاد و شهادت و انتقال آن به نسل چهارم انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند

امتداد دفاع؛ از وطن تا حرم



ایشان آموخته و یا بر سر مزارشان با آنان عهد

و پیمان شهادت بسته‌اند! به یقین منطق الگوسازی و معرفی چهره‌های شاخص دفاع مقدس، شیوه کاملاً موفق و اثرگذاری بوده است که اکنون نیز برای تداوم و گسترش فرهنگ شهادت به آن نیازمندیم و این بار این شه‌های مدافع حرم و امثال محسن حججی‌ها هستند که خود باید به عنوان اسوه‌های مجاهدت و انقلابی‌گری چراغ این الهام‌گیری را می‌توان در مراسم عزاداری حسینی و پیاده‌روی اربعین شاهد بود که در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین تجمع جهان اسلام بدل شده و دریای بسیاری از شه‌های مدافعان حرم را می‌توان در مسیر پیاده‌روی اربعین مشاهده کرد.

۲- دفاع مقدس پدیده‌ای مستقل و جدای از زندگی عادی مردم نبود. هر چند همه خانواده‌ها به یک اندازه در آن سهم نداشتند، اما نشانه‌های جنگ را در میان همه ملت ایران و در هر کوی و برزن می‌توان مشاهده کرد. ثبت نام شه‌ها بر سر در کوه و بازار و میدان‌های مختلف شهرها، تندیس‌ها و تصاویر نقش بسته بر در و دیوار شهر، وجود شه‌ها، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های شه‌ها در محله‌های مختلف، نمونه‌هایی است که همچنان پس از سه دهه از پایان ماجرا، یادآور روزگار دفاع مقدس می‌باشند. به واقع کمتر فردی را می‌توان یافت که در میان خانواده یا نوسبوان و آشنایان خود یادگاری از جنگ نداشته و دیده باشد. این نهادها و نشانه‌ها به مثابه پلی میان جوانان نسل چهارم و نسل اول همچنان عمل کرده است!

۳- سفر به سرزمین‌هایی که روزگاری محل خودسازی و تربیت و عروج مجاهدان فی‌سبیل‌الله بوده است، را می‌توان مهم‌ترین منبع آشنایی و تربیت نسل پس از جنگ با سبک زندگی بسیجی دانست که در قالب اردوهای انقلابی‌گری نظام و کشور را در مسیر زوال قرار دهند، اما تفکر بسیجی مبتنی بر سرنوشت قطعی تداوم جریان حق در طول تاریخ گسترش یافت و با ظهور بهار جهاد و شهادت در سال‌های اخیر در میدان نبرد با جریان تکفیری و ایادی استکبار جهانی در منطقه، بار دیگر شکوفه زد و به بار نشست.

نسل چهارم و تمسک به فرهنگ بسیجی و روحیه انقلابی‌گری
تداوم فرهنگ جهاد و شهادت و روحیه انقلابی‌گری در جامعه باوجود مقاومت‌ها از طرق مختلف دنبال شد و نسل به نسل انتقال یافت و امروز پس از نزدیک به سه دهه از پایان دفاع مقدس، شاهد شوکافی و به بار نشستن آن فرهنگ در جبهه‌های سوریه و عراق هستیم. امروز مجاهدان راه حق و مدافع حرم زینب‌کبری(س) جوانانی هستند که با تأسی از شه‌های هشت سال دفاع مقدس پا به عرصه مجاهدت نهاده‌اند و این طور عاشقانه از مسلخ عشق «بی‌سر» و «سربلند» بیرون آمده‌اند!

در این میان سؤالی اصلی آن است که چه عواملی در تداوم و انتقال فرهنگ جهاد و شهادت و روحیه انقلابی‌گری از دهه ۱۳۶۰ به دهه ۱۳۹۰ نقش آفرین بوده‌اند؟ انقلاب اسلامی چگونه توانست با وجود برخی موانع و تغییرات نسلی و تحولات زمانه و در روزگاری که سبک‌های زندگی غیرانقلابی (که به ظاهر

از جذابیت‌هایی برای نسل جوان برخوردار است و به حمایت رسانه‌های مختلف مستظهر می‌باشد) خودنمایی می‌کنند، همچنان نسلی را تربیت کند که با نسل دوران دفاع مقدس پیوند خورده و با تأسی از آنان اینچنین مشتاق حضور در عرصه جهاد علیه دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی است؟ برای پاسخ به این پرسش مؤلفه‌های زیر تا حدودی می‌تواند راه‌گشا باشد:
۱- مهم‌ترین عامل برای تداوم و بازتولید فرهنگ جهاد و شهادت را باید در ریشه‌های اسلامی فرهنگ ملت ایران جست‌وجو کرد.

سرزمینی که همواره به مثابه مهم‌ترین پایگاه

شیعه در طول ۱۴ قرن اخیر مطرح بوده و ملتی که نسل به نسل با توسل به اهل بیت(ع) و عشق به عاشورا و عزاداری برای ابعبدالله الحسین(ع) حیات خود را تداوم بخشیده است، طبیعی است که با تمسک به همان منبع الهام‌بخش مسیر تربیت حسینی را ادامه دهد و از درون خود شه‌های مدافع حرم بیرون‌راند. اوج این الهام‌گیری را می‌توان در مراسم عزاداری حسینی و پیاده‌روی اربعین شاهد بود که در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین تجمع جهان اسلام بدل شده و دریای بسیاری از شه‌های مدافعان حرم را می‌توان در مسیر پیاده‌روی اربعین مشاهده کرد.

۲- دفاع مقدس پدیده‌ای مستقل و جدای از زندگی عادی مردم نبود. هر چند همه خانواده‌ها به یک اندازه در آن سهم نداشتند، اما نشانه‌های جنگ را در میان همه ملت ایران و در هر کوی و برزن می‌توان مشاهده کرد. ثبت نام شه‌ها بر سر در کوه و بازار و میدان‌های مختلف شهرها، تندیس‌ها و تصاویر نقش بسته بر در و دیوار شهر، وجود شه‌ها، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های شه‌ها در محله‌های مختلف، نمونه‌هایی است که همچنان پس از سه دهه از پایان ماجرا، یادآور روزگار دفاع مقدس می‌باشند. به واقع کمتر فردی را می‌توان یافت که در میان خانواده یا نوسبوان و آشنایان خود یادگاری از جنگ نداشته و دیده باشد. این نهادها و نشانه‌ها به مثابه پلی میان جوانان نسل چهارم و نسل اول همچنان عمل کرده است!

۳- سفر به سرزمین‌هایی که روزگاری محل خودسازی و تربیت و عروج مجاهدان فی‌سبیل‌الله بوده است، را می‌توان مهم‌ترین منبع آشنایی و تربیت نسل پس از جنگ با سبک زندگی بسیجی دانست که در قالب اردوهای انقلابی‌گری نظام و کشور را در مسیر زوال قرار دهند، اما تفکر بسیجی مبتنی بر سرنوشت قطعی تداوم جریان حق در طول تاریخ گسترش یافت و با ظهور بهار جهاد و شهادت در سال‌های اخیر در میدان نبرد با جریان تکفیری و ایادی استکبار جهانی در منطقه، بار دیگر شکوفه زد و به بار نشست.

نسل چهارم و تمسک به فرهنگ بسیجی و روحیه انقلابی‌گری
تداوم فرهنگ جهاد و شهادت و روحیه انقلابی‌گری در جامعه باوجود مقاومت‌ها از طرق مختلف دنبال شد و نسل به نسل انتقال یافت و امروز پس از نزدیک به سه دهه از پایان دفاع مقدس، شاهد شوکافی و به بار نشستن آن فرهنگ در جبهه‌های سوریه و عراق هستیم. امروز مجاهدان راه حق و مدافع حرم زینب‌کبری(س) جوانانی هستند که با تأسی از شه‌های هشت سال دفاع مقدس پا به عرصه مجاهدت نهاده‌اند و این طور عاشقانه از مسلخ عشق «بی‌سر» و «سربلند» بیرون آمده‌اند!

در این میان سؤالی اصلی آن است که چه عواملی در تداوم و انتقال فرهنگ جهاد و شهادت و روحیه انقلابی‌گری از دهه ۱۳۶۰ به دهه ۱۳۹۰ نقش آفرین بوده‌اند؟ انقلاب اسلامی چگونه توانست با وجود برخی موانع و تغییرات نسلی و تحولات زمانه و در روزگاری که سبک‌های زندگی غیرانقلابی (که به ظاهر

از جذابیت‌هایی برای نسل جوان برخوردار است و به حمایت رسانه‌های مختلف مستظهر می‌باشد) خودنمایی می‌کنند، همچنان نسلی را تربیت کند که با نسل دوران دفاع مقدس پیوند خورده و با تأسی از آنان اینچنین مشتاق حضور در عرصه جهاد علیه دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی است؟ برای پاسخ به این پرسش مؤلفه‌های زیر تا حدودی می‌تواند راه‌گشا باشد:
۱- مهم‌ترین عامل برای تداوم و بازتولید فرهنگ جهاد و شهادت را باید در ریشه‌های اسلامی فرهنگ ملت ایران جست‌وجو کرد.

سرزمینی که همواره به مثابه مهم‌ترین پایگاه شیعه در طول ۱۴ قرن اخیر مطرح بوده و ملتی که نسل به نسل با توسل به اهل بیت(ع) و عشق به عاشورا و عزاداری برای ابعبدالله الحسین(ع) حیات خود را تداوم بخشیده است، طبیعی است که با تمسک به همان منبع الهام‌بخش مسیر تربیت حسینی را ادامه دهد و از درون خود شه‌های مدافع حرم بیرون‌راند. اوج این الهام‌گیری را می‌توان در مراسم عزاداری حسینی و پیاده‌روی اربعین شاهد بود که در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین تجمع جهان اسلام بدل شده و دریای بسیاری از شه‌های مدافعان حرم را می‌توان در مسیر پیاده‌روی اربعین مشاهده کرد.

۲- دفاع مقدس پدیده‌ای مستقل و جدای از زندگی عادی مردم نبود. هر چند همه خانواده‌ها به یک اندازه در آن سهم نداشتند، اما نشانه‌های جنگ را در میان همه ملت ایران و در هر کوی و برزن می‌توان مشاهده کرد. ثبت نام شه‌ها بر سر در کوه و بازار و میدان‌های مختلف شهرها، تندیس‌ها و تصاویر نقش بسته بر در و دیوار شهر، وجود شه‌ها، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های شه‌ها در محله‌های مختلف، نمونه‌هایی است که همچنان پس از سه دهه از پایان ماجرا، یادآور روزگار دفاع مقدس می‌باشند. به واقع کمتر فردی را می‌توان یافت که در میان خانواده یا نوسبوان و آشنایان خود یادگاری از جنگ نداشته و دیده باشد. این نهادها و نشانه‌ها به مثابه پلی میان جوانان نسل چهارم و نسل اول همچنان عمل کرده است!

آیت‌الله حدیری، نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری می‌گوید: شه‌های مدافع حرم ادامه‌دهنده راه شهیدان دوران دفاع مقدس هستند و همان اهدافی را که شه‌های ما در دوران دفاع مقدس در لیبک به ندای امام خمینی(ره) دنبال کردند و در مقابل بعثیان و متجاوزان به اسلام، انقلاب و ایران شهید شدند، دنبال می‌کنند و در مقابل باقی‌ماندگان دوران صدامیان از حیثیت اسلام و عزت مسلمانان دفاع می‌کنند.

تحلیل هفته

قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، علیرضا فروزه، رضا اسماعیلی، قادر طهماسبی و… و موسیقی‌های ماندگاری چون نینوا، از کرخه تا راین و… تنها نمونه‌ای از آثار فرهنگی است که تحت عنوان هنر دفاع مقدس می‌توان فهرست کرد. در این میان بی‌شک عنوان برترین و جاویدان‌ترین اثر هنری دفاع مقدس به مجموعه مستند «روایت فتح» تعلق دارد که با نفس مسیحایی سیدشهیدان اهل قلم سیدمرتضی آوینی تولید شد و در طول سال‌های پس از جنگ به بهترین نحو نسل‌های مختلفی را با تنگ بسیجی و فرهنگ جهاد و شهادت آشنا کرد و هنوز مشاهده تصاویر آن مجدد حس نوستالوژیک همه آنهایی که با دوران دفاع مقدس سر و سَرّی دارند را برمی‌انگیزاند!

۷- نهادهای انقلابی در طول سال‌های اخیر مسئولان خطیر هدایت کلی و پشتیبانی برنامه‌های مختلف فرهنگی در عرصه دفاع مقدس را بر عهده داشته‌اند. برنامه‌هایی که هرچند با تغییر دولت‌ها و میزان حمایت مادی و معنوی آنان تغییر کرده است؛ اما با پشتکار و اراده دلسوزان این نهادها اعم از سپاه، ارتش و بسیج، رسانه ملی، دیگر مجموعه‌های متولی فرهنگ… تداوم یافته است و به یقین با عدم نقش‌آفرینی این مجموعه‌ها امروز در وضعیت دیگری قرار داشتیم. ایسن تعریف به معنای ناپدیده گرفتن آسیب‌ها و ضعف‌ها نیست؛ بلکه اشاره به نیمه پر لیوانی است که از آن می‌توان به یکی از عوامل مؤثر انتقال فرهنگ جهاد و شهادت به نسل امروز یاد کرد.

۸- اما از نقش مهم و مؤثر مجموعه‌های خودجوش مردمی که در ذیل گفتمان «آتش به اختیار» در طول سال‌های اخیر فعالیت کرده‌اند نمی‌توان گذشت. این مجموعه‌ها که تنها با اراده‌های بلند و روحیه‌های انقلابی و خوشفکری و تدبیر متولیان آن (که اغلب از رزمندگان دفاع مقدس بوده‌اند) در طول این سال‌ها با کمترین امکانات و حمایت‌ها اداره شده است، تأثیر بسزایی بر عمومی‌کردن فرهنگ جهاد و شهادت داشته و اقداماتی را به ثمر رسانده‌اند که بی‌شک نهادهای رسمی و دولتی از تحقق آن ناتوانند! هیئات مذهبی و مساجد را نیز در ذیل این مجموعه‌های فرهنگی خودجوش باید تعریف کرد که مؤثرترین تأثیر را بر تربیت «مستمر» جوانان انقلابی امروز دارند و پشتوانه معنوی و رشد و نمو هر یک از رزمندگان و شه‌های مدافع حرم را باید در همین مساجد و هیئات مذهبی دنبال کرد.

۹- حقیقت آن است که در رأس همه فعالیت‌های رسمی و غیر رسمی انجام شده برای حفظ و تداوم و بسط و گسترش فرهنگ جهاد و شهادت و انتقال آن به نسل جوان امروز، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی قرار دارد که خود در دوران دفاع مقدس از نزدیک دستی بر آتش داشته و با شه‌ها و مجاهدان راه حق انیس و همدم بوده و نشان افتخار جانبازی را نیز دارد. به هر جرئت می‌توان گفت که طول سه دهه اخیر اثرگذارترین و بیشترین تلاش در این عرصه به معظم‌له اختصاص یافته و بیشترین حمایت‌ها و هدایت‌ها و عالی‌ترین تعابیر و رهنمودها را می‌توان در بیانات ایشان جست‌وجو کرد. تنها اشاره به دهها تقریظی که امام خامنه‌ای بر کتاب‌ها و رمان‌های منتخب دفاع مقدس نوشته‌اند به خوبی حکایت از توجه و عنایت ویژه ایشان به ضرورت توجه به فرهنگ جهاد و شهادت دارد که باید مشفی و مرام ایشان به الگوی همه متولیان عرصه فرهنگ گفت کشور بدل شود.به یقین موارد برشمرده تنها مختصری از حجم بزرگی از تلاش‌های مادی و معنوی است که در راستای انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل امروز جامعه صورت گرفته است و بسیاری از کارها در گمنامی و با نیت‌های الهی انجام شده که حساب آن از محاسبات دنیایی خارج است.

سخن پایانی آنکه این فرهنگ همچنان به مثابه مهم‌ترین عامل تداوم انقلاب اسلامی و موتور حرکت به سمت قله‌های تعالی و پیشرفت کشور و رسیدن به حیات طیبه اسلامی باید در جامعه فراگیر شود. این فرهنگ آنقدر متعالی و جاودان است که برای همیشه تاریخ و در میان نسل‌های مختلف طالب و خریدار خواهد داشت و تلاش دشمنان برای خاموشی نور حق ناکام خواهد ماند. مؤید این ادعا کلام امام و مقتدای شهیدان حضرت روح‌الله(ره) است که پایان این نوشتار مزین به تعمیر جاودانه ایشان است:
آنجا که می‌فرمایند: «… و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند آنجا که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفاء آزادگان خواهد بود.»



دفاع مقدس نمایانگر مدیریت جهادی است

دکتر عماد افروغ، جامعه‌شناس می‌گوید: فراموش نکنیم ما یک دفاع مقدس داریم که بیانگر و نمایانگر مدیریت جهادی است. در زمان جنگ ما تمرکزگرایی نداشتیم، این یک نکته اساسی است؛ یعنی نوع مدیریت جنگ، مدیریت تمرکز، به معنای منفی رایج آن نبود. همه مشارکت داشتند، از همه قومیت‌ها و همه سکونت‌گاه‌ها. نگاه کنید ببینید نوع شکل‌گیری یگان‌ها، تیپ‌ها و گردان‌ها به چه شکل بوده است.

گفت و گوی ویژه

چگونگی انتقال ارزش‌ها و هنجارهای نسل اول انقلاب دفاع مقدس به نسل چهارم در گفت‌وگوی صبح صادق با پرویز شیخ‌طادی، محمدصادق کوشکی و ابراهیم فیاض

نیازمند بازسازی فرهنگی هستیم



بیشتری بین آنها ایجاد می‌شود. گسترش ارزش‌های دفاع مقدس می‌تواند روابط مردم با یکدیگر و ارکان مختلف نظام اجتماعی را اخلاقی‌تر کند و کارایی جامعه را افزایش دهد که در نتیجه آن، روند امور عمومی و خصوصی سهل‌تر شده و متقابلاً اعتماد و باور مردم به ارزش‌های موجود بیشتر می‌شود. در چنین فرایندی ارزش‌های دفاع مقدس در دوره صلح می‌توانند کارایی خود را حفظ کنند و به رشد و بالندگی خود در جامعه ادامه بدهند.

* آیا امروز و پس از گذشت سه دهه از پایان جنگ، ارزش‌های دوران دفاع مقدس می‌تواند درمان دردهای فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد؟

شیخ‌طادی: سادسازی، کم‌توقعی، نگاه دینی اجتماعی و سبک زندگی مباحثی که دین، قناعت، نوع‌دوستی و دستگیری از مردم، جلب رضایت خدا و خلق خدا جزء شاخصه‌های جامعه در آن دوران بود. در مجموع، جامعه‌ای که وحدت اجتماعی و اخلاقی در آن موج می‌زد. به واقع دهه ۶۰ جزء دهه‌های درخشان تاریخ کشورمان محسوب می‌شود.

|| دفاع مقدس تجلی عشق به حسین بن علی(ع) بود. این شاخصه‌ها بود که نبرد در آن خاک و بیابان را به دفاعی مقدس تبدیل کرد و از دل این جهاد یک دانشگاهی از انسان فارغ التحصیل شد. اگر دفاع مقدس را منهای این مؤلفه‌ها در نظر بگیریم به تنهایی کاری از پیش نمی‌رود. ممکن است بتوانیم مثل برخی از کشورهای غربی که یک جنگی داشتند و به فرماندهان احترام می‌گذاشتند از آن نام ببریم، اما دیگر از قداس خیری نیست؛ لذا در هر وضعیت و دوره زمانی باید کسی که این الگوها و اخلاق برگرفته از سبک زندگی معصومی(ع) توجه نکنیم و در نظر ما کم‌رنگ شوند، محال است فضای مقدس دهه ۶۰ و آن شرایط و نسیم را درک کنیم.

* کوشکی: اگر مسا می‌خواهیم مشکلات فعلی کشور به شکل اساسی و بنیادین مرتفع شود، چاره‌ای جز احیای ارزش‌های دفاع مقدس نداریم؛ چرا که فضای که کشور در آن قرار دارد فضای تهاجم همه‌جانبه است که از جهانبندی استکبار به طرف ما شکل گرفته و می‌گیرد و برای مقابله با این تهاجم همه‌جانبه چاره‌ای به جز آن احیای رویکردهای ارزشی دفاع مقدس و انقلاب اسلامی نداریم. غیر از آن با شیوه‌های عادی روزمره اداری نمی‌توان با این تهاجم گسترده مقابله کرد.

فیاض: اگر بخواهیم از نگاه سکولارها هم بررسی کنیم، باز هم تاریخ پرافتخار این کشور است. مردم می‌توانند بر روی آن دهه درخشان و کارنامه موفقیت‌آمیز حساب کرده و بر صلابت آن افتخار کنند.

* راهکارهای انتقال این فرهنگ از نسل اول انقلاب به نسل چهارم انقلاب چیست؟

شیخ‌طادی: راهکار آن در وهله اول خودسازی است. این که ما بگوییم رسانه این کار را انجام بدهد و وزیر این کار را بکند این خودسازی نیست، در وهله اول مهم است به فکر این نباشند که دگرسازی کنند. به جای تلاش برای هدایت دیگران، اول به فکر هدایت خود باشیم. از هنرمند گرفته تا اقتصاددان و سیاستمدار... بر گردند به خودسازی! یاد

سرماپه‌داری به هر قیمت داریم. **کوشکی:** یک عده غریب‌گرا هستند و اصلاً الگوی مطلوب آنها غریب‌گرایی است. اینها هیچ چیزی که غیرغربی باشد را بر نمی‌تابند و نادرست و غیرعلمی می‌دانند. یکی از بزرگ‌ترین موانع این است که در بین نخبگان، استادان و مسئولین طرفداران فراوانی دارند، یکی هم درست نشناختن ارزش‌های دفاع مقدس و احیاناً بد معرفی شدن آن است. اگر درست معرفی نشود خودش داعفه ایجاد می‌کند و کسی به سمت آن ارزش‌ها نمی‌رود.

فیاض: بازسازی فرهنگ دفاع مقدس را همراه با انحراف انجام دادند و این مهم‌ترین ضربه‌ای بود که در دوران سازندگی به جامعه ما وارد شد. در دوران دفاع مقدس، ارزش‌های متعددی در جبهه‌ها رشد کردند و جلوه‌های ویژه‌ای را از خود بروز دادند. بسیاری از این ارزش‌ها عام هستند و قابلیت آن را دارند که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها رشد کنند و به کار گرفته شوند. افزون بر آن، رواج و گسترش آنها می‌تواند روابط مردم با یکدیگر و ارکان مختلف نظام را اخلاقی‌تر کند و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد و روند امور عمومی و خصوصی را سهل‌تر کنند، اما پس از پایان جنگ، ترویج این ارزش‌ها در جامعه با این موانع روبه‌رو شد؛ اول- عدم بهره‌گیری از ابزارهای نوین تبلیغ، نخستین مانع گسترش فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه است. امروز، ضرورت جلب بیشتر افکار عمومی به نفع خود بر همه آشکار است و به کارگیری فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و استفاده از دستاوردهای علمی دانش‌های اجتماعی و روانی که به امر تبلیغات اهمیت ویژه‌ای بخشیده‌اند، از عوامل موفقیت در نهادینه کردن ارزش‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین، بهره‌نبردن از جنبه‌های هنری و ابزار کارآمد روز می‌تواند مانعی جدی برای نشر فرهنگ دفاع مقدس باشد؛ زیرا، نسل جدید به ابزار سنتی، از جمله سخنرانی صرف و شیوه‌های معمول کمتر علاقه دارند. دوم- تفاوت و شکاف بین عمل و بیان خاص و مسئولان جامعه که از گذشته‌های دور، در جامعه وجود داشته است. به عبارت دیگر، مسئولان و رهبران جامعه زمانی می‌توانند از نفوذ فراوان در جامعه برخوردار شوند که بین عمل و عقاید آنها فاصله‌ای نباشد؛ نکته‌ای که مردم آن را به خوبی درک می‌کنند و نسبت به آن حساسیت دارند. سوم- عدم ساده‌زیستی مسئولان و خواص جامعه، و به ویژه مسئولان و مبلغان فرهنگی را می‌توان مانع دیگر برشمرد؛ نکته مهمی که بارها، حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب، در پیام‌های‌شان آن را گوشزد و مسئولان را بدان دعوت کرده‌اند، اما رعایت نکردن آن موجب شده است که نه تنها ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مورد اقبال جمعی قرار نگیرد؛ بلکه ارائه آنها حرکتی ضد فرهنگی محسوب شود و هرگونه زمینه اعتقادی و پذیرش مسائل فرهنگی و ارزش‌های دفاع مقدس از بین برود. چهارم- گسترش فقر و شکاف طبقاتی در جامعه که با افزایش آن ارزش‌های معنوی کم‌رنگ‌تر خواهد شد. پنجم- رواج تبعیض و اعمال بی‌ضابطه در جامعه، که می‌تواند ریشه ر اعتقادی را نابود و به گسترش فقر و شکاف طبقاتی کمک شایانی کند؛ موضوعی که به دنبال آن، انواع و اقسام فسادها دامنگیر جامعه می‌شود و معنویت و اعتقاد به مسائل معنوی از بین می‌رود.

* آیا موفقیت‌های حاصل شده در برخی بخش‌های علم و فناوری و دفاعی و نظامی... مرهون همان روحیه جهادی نبود؟

شیخ‌طادی: دیدید که خود جهاد سازندگی چقدر در روستاها کارهای عام‌المنفعه بدون منت انجام داد. کاملاً صادقانه و با ایمان شروع به خدمت‌رسانی کردند. از درون آن راکتور هسته‌ای، مسئول، خدمات عمرانی و... تولید شد و یک همچنین جهادی در عرصه علم مثل فناوری و دانش‌های بنیادین که چه اقدامات مؤثری انجام می‌دهند و چند روز پیش خدمت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) بودم، تعجب کردم این همه تلاش عالمانه و کاملاً تخصصی و ریشه‌ای و بنیادی در حوزه دارو و آمارهای پیچیده و کارهای محرومیت‌زدایی! متأسفانه این الگوها به جامعه معرفی نمی‌شود. رسانه‌ها خیلی آپارتمانی شده است. در سریال‌ها به یک‌سری سوزهای قدیمی مثل سرقت، اعتیاد، دزدی

|| امروز، ضرورت جلب بیشتر افکار عمومی به نفع خود بر همه آشکار است و به کارگیری فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و استفاده از دستاوردهای علمی دانش‌های اجتماعی و روانی که به امر تبلیغات اهمیت ویژه‌ای بخشیده‌اند، از عوامل موفقیت در نهادینه کردن ارزش‌ها محسوب می‌شوند

پرداخته می‌شود و از کنار این سوزها که هزار فرهنگ نگفته را در خود دارد، زنده هستند و قلب‌شان می‌تپد، به راحتی می‌گیریم. این آدم‌ها چگونه جهادی شدند و موفق هستند؛ این الگوها را مطرح کنیم که حال جامعه را خوب و اخلاق جامعه را درست می‌کند. ما نیاز به یک آدم موفق و قهرمان واقعی داریم؛ قهرمانی که وجود دارد. خانواده نیاز دارد یک سری الگوهای متنوع را ببیند. مدام خودمان -این قهرمانان را- ببینیم و خودمان را با این قهرمانان منطبق کنیم.

کوشکی: طبیعتاً آن بخش‌های کشور که در قالب‌های اداری روزمره اداره می‌شوند نه تنها موفق نمی‌شوند؛ بلکه یک عقب‌ماندگی هم دارند، مثل همین حوزه اقتصاد. ما درست آن جاهایی توانستیم به موفقیت برسیم که نگاه اداری رویتن روزمره را کنار گذاشتیم و نگاه انقلابی را در دستور کار قرار دادیم.

* جامعه امروز چگونه می‌تواند با الگو برداری از فرهنگ دفاع مقدس به ایفای نقش‌های خطیر خود در شرایط حاضر بپردازد؟

شیخ‌طادی: به نظر من اگر جامعه‌ای الگو نداشت باید به سراغ الگوهای دیگر برود، حتی دست به گریبان کشورهای دیگر شود. ولی این جامعه و ملت مملو از الگوست؛ از ائمه و معصومین گرفته تا دانشمندان مردان و زنان زیادی دارد که هر یک کارهای بسیار زیادی انجام داده است. جهان محو علم نجوم، دانش پزشکی و تمدن ماست. این منیت‌ها را کنار بگذاریم تا همه الگوها را ببینیم. این منیت و اشرافی‌گری، این خودپسندی و دنبال پول رفتن و دنیا خیلی ما را سرگرم کرده است. **کوشکی:** به هر حال مشکلات الان طبیعتاً با همه مشکلات سال‌های دفاع مقدس متفاوت است. به همین دلیل مسا نگاه‌ها و نگرش‌ها را باید براساس نگرش‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس اصلاح کرده یا تغییر بدهیم. **فیاض:** در یک کلام بازسازی فرهنگ دفاع مقدس در رسانه‌ها ضعیف بوده و بدون اغراق حتی به حد صفر رسیده است. رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغی باید با نگاه جدید این الگوهای ماندگار را معرفی کنند.

یادداشت

مدافعان حرم هم «نور بالا» می‌زنند...

□ **یونس حبیبی:** / از سال ۶۲ به عضویت سپاه درآمدم، همان اول به تیپ آموزش لشکر ۲۷ اکبر محمد رسول‌الله(ص) رفتم. آموزش نظامی لشکر را به بنده واگذار کردند. آنجا محمدرضا طاهری هم جزو رزمندگان لشکر بود و با هم مرادوه داشتیم. با این نوحه خیلی صفا می‌کردم: عاشقم عاشق کربلایم من به عشق حسین مبتلایم مرغ روحم ز عشقش زند بر می‌زند دائم حلقه بر در می‌گذارم دلم را به مجرم دم به دم ذکر غم می‌سرایم آموزش نظامی می‌دادم. مربی تاکتیک بودم و این افتخار را داشتم با لباس سبز پاسداری در جنگ حضور داشته باشم. برای بنده این دوران یک حال و هوای دیگری داشت. به همین دلیل نوحه‌هایم نیز جنبه حماسی و رزمندگی داشت و انگیزه رزمندگان را برای ادای تکلیف و رزمندگی دوچندان می‌کرد. از این بابت بسیار خوشحال بودم و خداوند متعال را همیشه شکر می‌کنم که توانستم در راه اعتلای نام انقلاب اسلامی سهم کوچکی داشته باشم. در عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۲، کربلای ۷ و کربلای ۸ این توفیق نصب بنده شد که حضور داشته باشم. صحنه‌های غمباری دیدیم. در عملیات کربلای ۱ یاد نمی‌رود رزمندگان گردان علی‌اکبر لشکر سیدهالشهدا(ع) در قلاچه به شهادت رسیده بودند. در هنگام برگشت ساک‌های‌شان را در چادر دیدیم. یک صحنه بسیار دردناکی بود. وسایل‌شان را جمع کردیم. واقعاً آن دوره جوانان خوبی داشتیم که در صورت ماندن، هر یک از آنها می‌توانستند به جامعه امروز درس‌های ارزشمندی بدهند. بعضی از بچه‌ها را از دور هم که می‌دید می‌دور دور معلوم بود که به شهادت می‌رسند. عملیات کربلای ۲ در راه منطقه حاج‌عمران با شهید محمود طاعتی که با هم صیغه اخوت خوانده بودیم، همراه شدم. کاملاً معلوم بود شهید می‌شود و شد. اصطلاحاً می‌گفتند نور بالا می‌زند. الان هم دوستانی داریم که برای دفاع از حرم می‌روند و این حالات را دارند. اما احساس می‌کنم رزمندگان و جوانان آن روزها یک حالت عجیبی داشتند. یاد نمی‌رود در بحبوحه کربلای ۵ که عملیات گره می‌خورد یا توسط به حضرت زهرا(س) و فرقات زیارت عاشورا از سوی حاج‌رضا پوراحمد یک انگیزه دوباره و یک صلابتی در میان لشکر برای شکست دشمن ایجاد شد. آن نوحه معروف «کجا بیدای شهیدان خدایی...» حال و هوای عجیبی به مراسم می‌داد. در آن عملیات خیلی از بچه‌هایی که شهید شدند همان شب معلوم بود که به فیض عظمای شهادت نائل می‌شوند.

مداحی آن موقع در جبهه‌ها خیلی خالص بود؛ یک جمع سه یا چهار نفره را در نظر بگیرید، مثل دریا اشک می‌ریختند. ولی این احوالات و تعمیق معنوی کاهش یافته است. سوز و اخلاصی که آن موقع بود را امروز کمتر شاهد هستیم. مثلاً سیدجعفر مرتضی‌محمدی نوه آیت‌الله خوانساری، با بچه‌ها در محاصره بودیم همه در محاصره تشنه و گرسنه بودند او جیره‌های غذایی خودش را به بچه‌ها داد، رفت با ققمه برای بچه‌ها آب آورد، ولی خودش یک قطره از آن آب نخورد. آب را رساند به بچه‌ها خوردند و محاصره شکسته شد. زمانی که پیکر مطهر ایشان را به خانه‌اش آوردند، ما آنجا بودیم. وقتی او را بردند داخل اتاقش، عکس دوستانش روبه‌رویش بود، وقتی در تابلو را برداشتن، چهره‌اش خندان شد.

* مداح و رزمنده دوران دفاع مقدس و جانباز شیمیایی

یادداشت

ارزش‌های ماندگار دفاع مقدس

□ **لیلا زهدی /** «ارزش‌ها» به اعمال و رفتار، حالات و روحیاتی گفته می‌شود که جایگاه و اهمیت ویژه‌ای نزد جوامع دارند. ارزش‌ها را می‌توان به دو دسته: ارزش‌های مادی و ارزش‌های معنوی تقسیم کرد. ارزش‌های معنوی ارزش‌هایی هستند که به تأسی از آموزه‌های دینی، قرآن، احادیث و سیره عملی ائمه معصوم(ع) در جوامع دینی به وجود آمده، رشد یافته و منتقل شده‌اند.

چه بسا که عمل به همین ارزش‌ها سبب عزت مسلمانان در سراسر جهان شده و جایگاه آنها را نزد ملت‌های دیگر بالا برده است. جامعه اسلامی ایران مصداق بارزی است که با عمل به این ارزش‌ها در دوران هشت سال دفاع مقدس سبک زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کرد.

رزمندگان با پاسخ به ندای پیر و مرادشان و با پیروی از راه سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، با بصیرت و آگاهی قدم در راهی گذاشتند که از سرانجام آن نیک باخبر بودند. خام‌جواری، ولایت‌مداری، عزت‌خواهی، خودباوری، صبر و استقامت، شجاعت، شهادت‌طلبی برخی از مهم‌ترین ارزش‌هایی بود که به نحو مطلوب و مؤثرتر از عوامل فیزیکی در عرصه دفاع در وجود این مبارزان با‌اعدا تبلور یافت. ارزش‌های متعالی و روح‌بخشی که سهم بزرگی در تثبیت هویت ملی ایرانیان داشت.

در واقع همین ارزش‌های مقدس بود که دفاعی مقدس را رقم زد؛ ارزش‌هایی که عوامل مهم و قاطع پیروزی بر دشمن محسوب می‌شدند. اگر دفاع هشت ساله ایران از تقدس خاصی برخوردار شد، مرهون روحیاتی خاص و عمل به ارزش‌هایی خاص بود؛ ارزش‌هایی که از آنها به «ارزش‌های اسلامی» تعبیر می‌شود. ارزش‌های انسان‌سازی چون: رهایی از تعلقات مادی، پرهیزکاری، بردباری، فروتنی، مروت، خردمندی، دلبری، مشاورت در امور، دور از هواهای نفسانی، خدمت به خلق، راستگویی، آرمان‌گرایی و تعهد که بی‌اغراق در ضمیر همه شیرمردان عرصه دفاع مشترک بود.

اسما در چرایی اهمیت ارزش‌ها می‌توان گفت که عمل به ارزش‌ها همواره عامل همبستگی بوده است. بی‌شک هیچ جامعه آرمان‌خواهی بدون وجود ارزش‌ها پایدار نمانده است و به صراحت می‌توان گفت رمز و راز پایداری ایران در همه عرصه‌ها، به ویژه عرصه دفاع، حفظ همین روحیات و انتقال همین ارزش‌های انسان‌ساز بوده است؛ ارزش‌هایی که امروز به فراسوی مرزها رفته است و ملت‌ها بسا الگوگیری از آنها علیه ظلم و جور قیام کرده‌اند. اما از آنجا که انتقال ارزش‌ها عامل ماندگاری جوامع بوده است، باید در همه مقاطع و در میان همه نسل‌ها ترویج شود تا اینگونه، فاصله میان نسل دفاع مقدس و نسل‌های آینده کم‌رنگ شده و به دست فراموشی سپرده نشود.

دفاع مقدس نشان داد که اگر ما می‌خواهیم بر هویت و ملیت خود استوار بمانیم و هوادار در مقابل جانان زمانه سرفراز باشیم باید بر همان ارزش‌های مطهر و مقدس با بفشاریم و آنها را در جامعه نهادینه کنیم. اکنون نوبت ماست که نگذاریم آن ارزش‌های اصیل تحریف شوند؛ چرا که عمل به همان ارزش‌ها برای ما وجهه و آبرو کسب کرد و هویت ملی ایران آزاده را به جهان شناساند؛ مگر نه آنکه شهید حجتی رهرو تفکر همان نسل و عامل به همان ارزش‌های مقدس بود و بار دیگر ارزش‌های اصیل اسلامی را به رخ جهانیان کشید. حفظ هویت ملی ایران اسلامی مرهون یادآوری و اشاعه همان ارزش‌ها و انتقال آنها به نسل‌های جدید است و عمل به این ضرورت انکارناپذیر تلاشی همگانی می‌نسل‌ها.

الگرچه دفاع مقدس به پایان رسید، اسما فرهنگ دفاع و ارزش‌های متعالی آن باید در تمام عرصه‌ها حتی در همه زوایای زندگی ما بروز و ظهور کند؛ چرا که در پرتو عمل به همان ارزش‌ها و تمسک به همان آموزه‌ها می‌توان در زمره سفیران عاشورا قرار گرفت و دین خود را به اسلام رحمانی ادا کرد.



یادداشت

دفاع مقدس از کربلا تا امروز

□**امین پناهی /** «عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ،

یک جریان مستمر و یک سمرشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت اِبی‌عبدالله(ع) با این حرکت، که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود، یک سمرشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سمرشق فقط شهید شدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت حضرت اِبی‌عبدالله(ع) وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت و عنصر عاطفه.»این همه آن چیزی است که حضرت اِبا‌عبدالله‌الحسین(ع) در طول تاریخ برای مسلمانان و آزادگانی که اراده کرده‌اند در مقابل ظلم جباران بایستند، به یادگار گذاشتند. در واقع، می‌توان گفت این حرکت یک حرکت تک‌بعدی نبوده و نمی‌توان آن را به زمان خود آن حضرت منحصر دانست. حرکت حسین‌بن‌علی(ع) از مدینه شُروع شد، اما در کربلا به پایان نرسید؛ بلکه در رگ‌های تاریخ برای همیشه جاری است.هر حرکتی در هر جای جهان شکل گرفته است که اصالتش از حرکت کربلا نشئت گرفته بوده، قطعاً توام با پیروزی بوده و هر زمان که حرکتی علیه آن ایجاد شده، محکوم به شکست بوده است. امام حسین(ع) با حرکت خود در مقابل ظلم نشان می‌دهند، وظیفه انسانی هر انسان در مقابل ظلم عبارت است از مقاومت. فرقی ندارد محل زندگی این انسان کجاست و به کدام آیین است. آزاده که باشد، راه حسین(ع) برایش صراط مستقیم است و هر راهی غیر از آن رو به اسفل‌السافلین. «مقاومت» کلیدواژه اصلی حرکت امام حسین(ع) است که در طول تاریخ از نسل به نسل دیگر منتقل شده است. حرکت امام(ع) از مدینه به کربلا دو وجه اصلی دارد که یکی زیر بار ظلم نترفتن و دیگری جهاد با جان، مال و ناموس است. اگر نتوانیم بگوییم وجه اول نسبت به وجه دوم ارزش و اهمیت بیشتری دارد، قطعاً سهم کمتری هم ندارد.در واقع اولی مغز حرکت و زمینه‌ساز برای دومی است.انقلاب اسلامی ایران نیز که مبنای آن بر اساس حرکت انبیا و اولیا از ابتدای تاریخ و بر اساس اسلام ناب محمدی بوده، در مراحل مختلف از حرکت امام حسین(ع) الگوبرداری کرده است. کمتر از دو سال از پیروزی این انقلاب می‌گذشت که جمهوری اسلامی با جنگی نابرابر مواجه شد، جنگی که می‌توانست در مدت کوتاهی هر کشور قدرتمندی را از پای درآورد.جنگ شروع شده بود و تکلیف نیز مشخص بود. باید حسین‌وار در مهلکه قرار گرفت و مقاومت کرد. جنگید اما نه برای شهادت و پیروزی، بلکه برای آنکه نشان دهیم مقاومت تنها راهی است که حسین‌بن‌علی(ع) جلوی پای‌مان قرار داده است. مقاومت در مقابل ظلم و ظالم تنها راهی است که چه پیروز شوی و چه شکست بخوری، پیروزی. با یک نگاه جزئی می‌توان متوجه شد که فرهنگ عاشورا و حرکت کربلا در تمام شئون دفاع از سرزمین مقدس اسلامی جاری است. اینتکه وقتی در حال دفاع هستی، کشته شوی اما به ذلت نیفتی، ترجمان فرهنگ کربلایی حسین (ع) است در دفاع مقدس. دفاع مقدسی که در شهریور ۵۹ شروع شده بود و با پذیرش قطعنامه پایان نپذیرفت؛ چرا که تمامش برگردان امروزی حرکت حسینی بود، پس باید همچون حرکت امام حسین(ع) تلاوم پیداکنند.کربلا را در آینه دفاع مقدس دیدیم و امروز برای همگان به منزله پاره‌ای از حرکت عاشورا که در نزدیکی‌های ما اتفاق افتاده است، الگویی زنده است؛ اما امروز دفاع مقدس از مکتب عاشورا نو به نو در حال انجام است. گاهی یمن با تمام مختصاتش می‌شود کربلا، یک روز بحرین و روز دیگر دزیرالزور، حادثه‌ها تکرار نمی‌شود؛ اما در بستر تاریخ در جریان هستند و هر بار یک زمان و یک مکان را برمی‌گزینند برای عاشورا و کربلا برمی‌گزینند که همه روزها عاشورا و همه زمین‌هاکربلاست.

یادداشت

سینمای دفاع مقدس؛ ریزش‌ها و رویش‌ها

□**زهرا چیذری /** هنر و به طور خاص هنر هفتم، یعنی سینما کاربردی‌ترین

ابزار برای حفظ، ماندگاری و انتقال ارزش‌های جاری در جوامع است و هنرمندان رسالت جاودانه کردن رخداد‌های تکرار‌نشدنی و هویت‌سازی همچون انقلاب‌ها و جنگ‌ها را برعهده دارند. پس از انقلاب اسلامی ایران و در ادامه با آغاز دوران دفاع مقدس سینمای ایران این فرصت را پیدا کرد تا از فیلم‌های نازل و مبتذل ژانر فیلم‌فارسی به سمت و سوی سینمای فاخر حاوی مؤلفه‌های خاص انقلاب و دفاع مقدس حرکت کند.

تقریباً از همان روزهای نخست شکل‌گیری سینمای پس از انقلاب، سینمای جنگ و دفاع مقدس نیز به تدریج پا گرفت و همپای سینمای انقلاب رشد کرد. شاید بتوان گفت ایرانی‌ترین ژانر سینمایی، سینمای دفاع مقدس است. در این زمینه به جرئت می‌توان دهه ۷۰ را دهه طلایی سینمای ایران دانست.

در این دهه ماندگارترین آثار از نسل نخست کارگردانان دفاع مقدس و انقلاب به منصف ظهور رسید و سینمای ایران را با رشدی جدی رویه‌رو کرد. فیلم‌هایی چون؛ «عقاب‌ها»، «دب‌بان»، «هور در آتش»، «تونل»، «دکل»، «بر بال فرشتگان»، «از کرخه تا راین» و ده‌ها اثر برجسته دیگر محصول کارگردانان نسل اول، یعنی آنهایی بود که جنگ را دیده و لمس کرده بودند، بر پرده نقره‌ای سینما برش‌هایی از دفاع مقدس را در برابر دیدگان مردم قرار داد و کارگردانی مانند ابراهیم حاتمی‌کیا، احمدرضا درویش، جمال شورش و مجید مجیدی فاخرترین آثار را در حوزه سینمای انقلاب و دفاع مقدس خلق کردند. اما این بخش از هنر انقلاب و دفاع مقدس نیز همچون سایر بخش‌ها با فراز و فرودهایی همراه بود و در دوره‌ای مسکوت ماند.جشنواره فیلم فجر در دهه ۷۰ بیشترین سیمرخ‌های خود را به فیلم‌های جنگی واگذار کرد، اما دهه ۸۰ دیگر خیر چندانی از تولید آثار فاخر در سینمای دفاع مقدس و انقلاب نبود.

در ایین دهه فیلم‌های حوزه دفاع مقدس افت فراوانی داشتند. در چنین شرایطی بود که «خراجی‌ها» دهنمکی با شکستن رکورد فروش سینمای ایران توانست گونه‌های دیگری از سینمای دفاع مقدس را احیا کند و مخاطبان را برای دیدن برش‌هایی از این دوران با چشمانی طنز به سالن‌های سینما بکشاند. بگذریم از اینکه سه‌گانه اخراجی‌ها را نمی‌توان در زمره آثار فاخر هنر.

انقلاب و دفاع مقدس ارزیابی کرد.اما ژانر سینمای انقلاب و دفاع مقدس تنها با فرود مواجه نشد، در سال‌های اخیر کارگردانان جوانی همچون نرگس آبیار با گردش زاویه دوربین از جبهه‌ها به پشت‌ جبهه و روایت آنچه در دوران دفاع مقدس بر خانواده رزمندگان گذشت، توانست این ژانر را جانی دوباره بخشد. در سال ۱۳۹۴ نیز تنها چهار فیلم در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر به نمایش درآمد. «بستاده در غبار»، «جشن تولد»، «سپانور» و «مکان مینا» که فیلم تحسین‌برانگیز «بستاده در غبار» نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرد و بهترین فیلم جشنواره انتخاب شد و در اکران عمومی نیز مورد توجه مردم قرار گرفت. برخلاف چهره‌های تازه‌ای همچوت آبیار، اما سینماگرانی همچون حاتمی‌کیا در حد و اندازه‌های مورد انتظار ظاهر نشدند. هر چند آثاری همچون «چ» یا «بادیگارد» همچنان قابلیت تحسین از سوی تماشاگر را دارد؛ اما با سینمای مورد انتظار از چهره شناخته‌شده‌ای که آژانس شیشه‌ای را خلق کرده، فاصله‌ای معنادار دارد.

در برابر این‌د در رویش‌های سال‌های اخیر هنر دفاع مقدس و انقلاب آثاری چون ماجرای نیمروز سخت‌گیرترین منتقدان را هم با خود همراه کرد و نشان داد در حوزه سینمای دفاع مقدس و سینمای انقلاب می‌توان به رویش‌های بیشتری امیدوار بود. اما سینماگرانی که در این ژانر استراتژیک فعالیتند به حمایت بیشتری نیاز دارند. شاید تنها مجرای ارتباطی نسل‌های تازه‌ای که انقلاب و دفاع مقدس را ندیده و درک نکرده‌اند بزنگاه‌های تاریخی سینمای ایران باشد، پس نباید این نقطه اتصال را پاره یا تضعیف معنادار کرد.



فراموشی مخاطب کودک و نوجوان در حوزه دفاع مقدس

سردار بهروز اثباتی، فرمانده قرار گاه فضای مجازی ستاد کل نیروهای مسلح معتقد است: مخاطب کودک و نوجوان در حوزه دفاع مقدس فراموش شده است. باید برای مخاطب کودک و نوجوان محتوای دفاع مقدس تولید کرد، اما امروز آثار ما در این حوزه بسیار کم است؛ چرا که اغلب نویسندگان فکر می‌کنند با فعالیت در این حوزه اعتبار و شهرت‌شان محدود می‌شود. هنر نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که در حوزه دفاع مقدس فراموش شده و باید مورد توجه قرار گیرد.

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

نهضت حسینی و دفاع مقدس تعطیل‌بردار نیست



□ **علیرضا جلالیان /** عناوین علمی و فقهی شاید هیچ یک بیان‌کننده واقعیت نباشد. نویسنده است و متفکر. در کسوت جانشینی نماینده ولی فقیه در سپاه چند سالی است که خدمت می‌کند. نگاه علمی او بسیار باز است. خودش از سر تواضع می‌گوید بیش از ۵۰ ماه فقط شاهد رزمندگان بوده؛ اما وقتی به خاطراتش مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که در کنار آنها خود هم یک رزمنده تبلیغی بوده است. همزمانی بزرگداشت هفته دفاع مقدس و دهه اول محرم امسال، ما را بر آن داشت تا درباره این تقارن پر معنا در خدمت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه باشیم که در ادامه ماحصل گفت‌وگوی اختصاصی خبرنگار صبح صادق با وی را می‌خوانید.

□ **اصولاً چه از تباطی را می‌توان بین دفاع مقدس هشت ساله با فرهنگ عاشورا جست؟**

تقارن هفته دفاع مقدس با ایام محرم امسال یادآور یک هویت و ماهیت مشترک بین دو حادثه بزرگ است. البته هیچ چیز با نهضت و قیام امام حسین(ع) قابل مقایسه نیست؛ ولی این یک واقعیت است که دفاع مقدس ما از همان فرهنگ عاشورایی نشئت گرفته است. عاشورا و نهضت کربلا آغازی بی‌پایان و طلوعی بی‌غروب بود که در همه عرصه‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌ها استمرار دارد. جبهه امام حسین(ع) با جبهه یزید و کفر همواره در حال درگیری هستند و این مبارزه پایان ندارد و فقط نیروهایش عوض می‌شوند. یزیدها تغییر می‌کنند و نیروهای وفادار و صحابه امام حسین(ع) نیز عوض می‌شوند؛ اما نهضت حسینی همیشگی است. می‌دانیم که نهضت کربلا و عاشورا فقط در سال ۶۱ دین خدا را احیا نکرد؛ بلکه دین خدا را هر سال احیا می‌کند. عاشورای هر سال کربلای هر سال و دهه محرم هر سال احیاکننده دین بوده و خواهد بود. دفاع مقدس ما یکی از تجلیات و آثار نهضت امام حسین(ع) است که مردم و نیروهای وفادار انقلاب اسلامی با همان شعار «هیبت من‌الذله»، با همان شعار «انی اجمی ابداً عن دینی»، با همان شعار «آریذُ أن أُمّر بالمعروفِ و أنهی عن المنکرِ» و شعار دفاع از حق، با همان ماهیت و همان شعار آن را آغاز کردند. آنچه دفاع ما و این ایستادگی را مقدس کرد، به دلیل ماهیت عاشورایی و حسینی بودنش بود؛ و گرنه جنگ زیاد واقع شده و درگیری‌ها فراوان بوده، اما چرا این مقدس شد؟ به دلیل همان روحیه عاشورایی. می‌دانیم رزمندگان که در دوران دفاع مقدس هشت ساله می‌جنگیدند، شعرا و جهت‌گیری‌های‌شان همان شعارهای عاشورا و امام حسین(ع) و عشق به دیدار آقا اِبا‌عبدالله(ع) بود. در واقع، ما در نهضت بزرگ دفاع مقدس مان همان صحابه امام حسین(ع) را از افق تاریخ امروزمان شاهد بودیم.

□ **دفاع مقدس تعطیلی‌بردار نیست. ممکن است جبهه‌ها و میدان‌های جنگ عوض شود؛ اما دفاع مقدس و نهضت حسینی هرگز تعطیلی‌بردار نیست و امروز شاهد جلوه دیگری از همان دفاع مقدس هستیم؛ از این رو با صراحت می‌گوییم که دفاع از حریم هم دفاعی است مقدس، مانند دفاع مقدس هشت ساله**

□ *** آیا این تجلی عاشورایی در جبهه مقاومت و در مدافعان حرم امروز هم وجود دارد؟**

همان‌طور که عرض کردم، تلاوم حرکت عاشورایی در دهه اول انقلاب در برابر صدام که دست‌نشانده استکبار بود، در قالب دفاع مقدس هشت ساله انجام شد و امروز در برابر دشمنان متجاوز به حریم اهل بیت(ع) و در دفاع از حرم تلاوم یافته و نهضت عاشورا در قالب دفاع از حرم و عزیزی که در آن صحنه هستند، تلاوم دارد و این هم در تلاوم حرکت یاران امام حسین(ع) است که انجام می‌شود. به عبارتی، دفاع مقدس تعطیلی‌بردار نیست. ممکن است جبهه‌ها و میدان‌های جنگ عوض شود؛ اما نهضت حسینی و دفاع مقدس هرگز تعطیل‌بردار نیست و امروز شاهد جلوه دیگری از همان دفاع مقدس هستیم؛ از این رو با صراحت می‌گوییم که دفاع از حریم هم دفاعی است مقدس، مانند دفاع مقدس هشت ساله.

مریم مجتهدزاده در گفت‌وگو با صبح صادق

اگر خانواده‌های شهدای دفاع مقدس نبودند، شوق دفاع از حرم پدید نمی‌آمد



ایشان خانواده‌هایی که از جان چند فرزند یا همسران خود برای پیروزی اسلام و کشور گذشتند، نشان‌دهنده عمق ایثار مادران و همسران شهداست.

اینجاست که شهدا و جانبازان انقلاب در دامن مادرائی شایسته پرورش یافتند و اینگونه با جان و دل از میهن و مردم خود دفاع و جان‌فشانی کردند و به مقامات معنوی والایی دست یافتند و برای کشور افتخارآفرینی کردند. نقش تعیین‌کننده و راهبردی مادران شهدا در تربیت فرزندان، همچون شهدای انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس یا حتی مدافعان حرم ارزنده بوده و دختران جوان باید از مادران شهدا الگو بگیرند و در مسیر تحقق اهداف شهدا قدم برداشته و فرزندان موفق‌ی برای خدمت به جامعه تربیت کنند.

□ ***در همین راستا، نقش تربیتی بانوان در حوزه تربیت نسل امروز و فرزندان شهدا به چه شکلی نمود پیدا کرده است؟**

عمده وظیفه تربیتی جامعه برعهده مادران است. نمی‌توان از نقش کلیدی زنان در تربیت و اصلاح افراد اجتماع غافل شد. به‌تبع آن از نقش مادران شهدا در آماده‌سازی رزمندگان اسلام و مجاهدان راه حق که نقشی بی‌بدیل و انکارناپذیری نیز دارند، نمی‌توان گذشت. مادران و همسران شهدا با الگو گرفتن از بانوی بزرگ اسلام باید همواره فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه ترویج دهند.

خانواده‌های معزز و معظم شهدا به دلیل اینکه انقلاب پیروز و حفظ شود، هزینه سنگینی پرداخت کرده‌اند و در حال حاضر نیز بیش از دیگران در مسیر ولایت و استقلال کشور گام برمی‌دارند و همواره دغدغه حفظ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را در کشور داشته‌اند. گذشت و

سردار بهروز اثباتی، فرمانده قرار گاه فضای مجازی ستاد کل نیروهای مسلح معتقد است: مخاطب کودک و نوجوان در حوزه دفاع مقدس فراموش شده است. باید برای مخاطب کودک و نوجوان محتوای دفاع مقدس تولید کرد، اما امروز آثار ما در این حوزه بسیار کم است؛ چرا که اغلب نویسندگان فکر می‌کنند با فعالیت در این حوزه اعتبار و شهرت‌شان محدود می‌شود. هنر نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که در حوزه دفاع مقدس فراموش شده و باید مورد توجه قرار گیرد.

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

نهضت حسینی و دفاع مقدس تعطیل‌بردار نیست

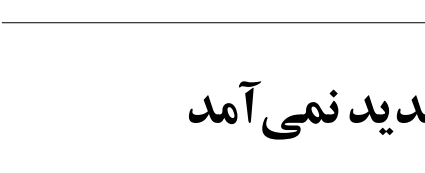
ولی یک لحظه یک طلبه جوان که بعداً شهید شد، به نام شهید اکبرزاده بدون سلاح ایستاد، یک پرچم یا حسین بلند کرد و با یک شعار «یا حسین» همه رزمندگان را بلند کرد و حرکت داد. فریاد زد «هر که دارد هوس کربویلا بسم‌الله» من دیدم همه بچه‌ها از زمین کنده شدند و یک موج ایجاد شد و پاتک دشمن را با شدت تمام به هم زدند و آنها را عقب راندنداین جهت‌گیری «هر که دارد هوس کربویلا» است که در دفاع مقدس جاری بود و ما را به پیروزی رساند.

□ *** به نظر می‌رسد عاشورایی که به نهضت مهدوی می‌نرسد، ناقص است، چه ارتباطی بین دفاع مقدس با نهضت مهدوی وجود دارد؟**

در روایات آمده است، عاشورا شروع نهضت و عملیاتی است که مرحله نهایی آن را امام زمان(عج) در آخرالزمان انجام می‌دهد. این رابطه نهضت امام حسین(ع) با مهدویت است و این نهضت ادامه دارد و دفاع مقدس ما هم در تلاوم نهضت حسینی زمینه‌ساز، فراهم‌کننده و آماده‌کننده جهان برای نهضت مهدی(عج) است. اساساً بزرگ‌ترین رسالت انقلاب اسلامی ما زمینه‌سازی همین نهضت ظهور است. در واقع، انقلاب اسلامی به این معنا است که امام زمان(عج) ما مالک اشتر خود را فرستاده تا ما آماده شویم و با این انقلاب شرایط حضور و ظهور ایشان را در سطح جهان آماده کنیم. بنابراین هم نهضت عاشورا و هم انقلاب اسلامی هر دو مراحل پیش از نهضتی هستند که زمینه‌ساز این نهضت مهدوی خواهند بود. انقلاب اسلامی همیشه در حال دفاع مقدس بوده؛ یک جلوه در هشت سال و جلوه دیگر در دفاع از حرم و جلوه‌هایی هم فراموش نکنیم دفاع مقدس از اسلام تعطیلی‌بردار نیست و چون جبهه استکبار همچنان دارد توطئه می‌کند، این دفاع مقدس ادامه دارد. در دفاع هشت ساله پیروز و سربلند بودیم و باید سعی کنیم در دفاع‌های مقدس دیگر هم این طور باشیم.

□ *** در پایان اگر بیان نکته‌ای را ضروری می‌دانید، بفرمایید.**

گرامیداشت هفته دفاع مقدس، گرامیداشت یک حادثه تاریخی نیست؛ همان‌طور که گرامیداشت حادثه عاشورا هر سال گرامیداشت یک حادثه برای ۱۴۰۰ سال قبل نیست؛ بلکه احیای ارزش‌ها و به معنای الهام گرفتن و درس گرفتن و حضور در جبهه‌ای است که امام حسین(ع) شروع کردند و پس از انقلاب اسلامی در هشت سال دفاع مقدس تلاوم یافت و تا قیام مهدی(عج) ادامه خواهد داشت.



انقلاب و نابودی اسلام است، ناکام گذاشته و با جدیت و تلاش، شاهد بالندگی و گسترش روزافزون اسلام و انقلاب در سراسر جهان بوده و زمینه ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج) را فراهم آوریم.

باتوجه به موضوع نفوذ فرهنگی و لزوم تلاش ولایت‌مدارانه و فعالان فرهنگی در عرصه گفتمان انقلاب اسلامی، همسران شهدا می‌توانند در بسط و گسترش سیره شهدا و یادآوری و بازگویی سیره زندگی شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و مدافعان حرم به پیشبرد اهداف انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی تلاش کنند.

□ *** بانوان در ترویج سبک زندگی شهدا چگونه باید عمل کنند؟**

زنان و به ویژه مادران، همسران، خواهران و دختران شهدا، جانبازان و آزادگان، نقش بسزایی در ترویج ارزش‌ها و فرهنگ روزهای آتش و خون دارند. آنان با انتشار نامه‌های خانواده رزمندگان در آن روزها، سخنرانی‌ها، مراسم یادبود و… می‌توانند در بزرگداشت یاد آن روزها اثرگذار باشند و خود سبک زندگی جهادی را گسترش دهند. گروهی از زنان پس از گذشت سال‌ها از پایان جنگ، همچنان یادگارهای جنگ را در خانه دارند و ایثارگرانه به تیمارداری این زخمیان جنگ مشغول هستند.

همسران، مادران و خواهران جانبازان، هر روز زندگی سخت و دردآلود عزیزان خود را می‌بینند و در این بین به ویژه در نقش همسر جانباز و مادر فرزندان، با قامتی استوار ستون خانواده را با برجا نگاه می‌دارند و نمی‌گذارند گرمی کاشانه مهرشان در تلاطم طوفان زندگی به سردی گراید. آنان می‌توانند به الگوپذیری جوانان امروز کمک شایانی کنند.

اگر مادران، همسران، خواهران و دختران شهدا در بین ما نبودند و شاهد افتخار آنها بر شهادت عزیزان‌شان نبودیم، اکنون به طور قطع و یقین شاهد فرهنگ ایثار و روحیه شهادت‌طلبی در میان جوانان و آحاد ملت ایران اسلامی نبودیم و فرزندان شهدا را که خود مدافعان حرم امروز هستند، نداشتیم.

همسران شهدا صرف خاطره‌گویی و بیان سیره عملی شهدا می‌توانند سهم عظیمی در انتقال این فرهنگ داشته باشند؛ اما این حمایت‌ها و هدایت‌گری‌های نهادهای فرهنگی مرتبط با موضوع ایثار و شهادت است که می‌تواند همچون بازویی قوی، نقش هدایت و ریل‌گذاری در مسیر تعالی و ارزش‌نهادن به سبک انتقال مفاهیم و فرهنگ ایثار و شهادت و سبک زندگی را ایفا کند. الگوی مدنظر در طرح و مدل فرهنگی سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌طلبد تا نهادهای فرهنگی همسو و هم‌راستا با همسران گرانقدر شهدا، مسیر تبلیغ و اطلاع‌رسانی را طی کرده و با استفاده از ابزار تبلیغی در سطح وسیع و در راستای ارانه الگوی صحیح از زندگی جهادی و سبک زندگی امت ایرانی فعالیت کنند.



آیینه خواص

ضحاک‌بن‌قیس—۴

مداح بنی‌امیه!

پس از شهادت حضرت علی(ع)، معاویه هنگام حرکت از شام به طرف عراق، ضحاک‌بن‌قیس فه‌ری را که در این زمان یکی از رجال برجسته و قدرتمند بنی‌امیه بود، در شام جانشین خود کرد. معاویه، ضحاک را در سال ۵۳ یا ۵۴، پس از مرگ زیادبن‌ابیسه نیز به امیری و حکومت کوفه گمارد و پس از مدتی در سال ۵۷ او را عزل کرد و به جایش عبدالرحمن‌بن‌ام‌حکم خواهرزاده معاویه را گماشت.

وی سپس به شام بازگشت و امارت دمشق به او واگذار شد. وی در دوره آل‌زبیر نیز از طرف عبدالله‌بن‌زبیر امارت شام را عهده‌دار شد.

ماجرای بیعت گرفتن معاویه برای یزید نیز از دیگر حوادث تاریخی بود که ضحاک‌بن‌قیس فه‌ری در آن نقش بسیار مؤثری داشت. در سال ۵۹، جلس‌های که با حضور گروه‌های مختلفی از مردم عراق و دیگر شهرهای اسلامی نزد معاویه تشکیل شد، ضحاک به درخواست معاویه، مردم را به بیعت با یزید برای جانشینی معاویه برانگیخت.

پس از اتمام سخنان او، گروه دیگری که معاویه از پیش با آنها هماهنگ کرده بود، سخنان ضحاک را تأیید و تصدیق کردند و به این نحو در آن جلسه با یزید بیعت شـد. نقل است که وقتی نمایندگان نواحی مختلف دمشق نزد معاویه آمدند، وی با طرح نقشه‌ای از ضحاک خواست پس از اتمام سخنانش برخیزد و درباره جانشینی یزید سخن بگوید و به عده‌ای دیگر فرمان داد که وی را تصدیق کنند.

ضحاک نیز طبق طرح معاویه به تعریف و تمجید از عقل و سیاست یزید پرداخت و شایستگی وی را برای تصدی خلافت گوشزد کرد. در سال ۶۰ که معاویه در بستر مرگ بود، ضحاک‌بن‌قیس فه‌ری (رئیس شرطه) را به همراه مسلم‌بن‌عُقبه مَزی فراخواند و به آنها سفارش‌هایی کرد تا به یزید برسانند. پس از مرگ معاویه، ضحاک‌بن‌قیس در مسجد سخنانی در ستایش معاویه گفت و مرگ او را اعلام کرد. او بیکی نزد یزید که در خَوارین بود، فرستاد و در نامه‌ای خلافت او را تهنیت و مرگ معاویه را تسلیت گفت و از او خواست که برای بیعت گرفتن از مردم فوری به دمشق بیاید. ضحاک سپس بر معاویه نماز خواند و او را دفن کردند.

زمانی که مرگ معاویه فرار رسید، یزید در دمشق نبود. در نتیجه معاویه، ضحاک‌بن‌قیس و مسلم‌بن‌عتبه را فراخواند و از آنان خواست که سفارش و وصیت او را به یزید برسانند. پس از جان دادن معاویه، ضحاک در حالی که کفن معاویه را به همراه داشت به مسجد بزرگ دمشق رفت و خبر مرگ معاویه را به مردم داد و مردم را به تشییع او دعوت کرد. بعد از نماز ظهر مردم جمع شدند و به امامت ضحاک بر وی نماز خواندند. تا بازگشت یزید به پایتخت اداره امور به دست ضحاک بود.

پس از مرگ یزید، مردم شام به شدت دچار اختلاف شده بودند. به جز مدعیانی همچون عبدالله‌بن‌زبیر، خالدبن‌یزید و مروان‌بن‌حکم، گروهی به ضحاک‌بن‌قیس متمایل بودند. به دستور معاویه‌بن‌یزید که پیوسته مریض بود، در مدت کوتاه حکومت او، ضحاک‌بن‌قیس با مردم نماز می‌گزارد و چون معاویه درگذشت، ضحاک تا انتخاب جانشین وی زمام امور را به دست داشت. ضحاک‌بن‌قیس از زمان مرگ معاویه‌بن‌یزید، ابتدا به صورت مخفیانه برای بیعت گرفتن برای ابن‌زبیر فعالیت می‌کرد. او پس از مرگ معاویه نیز در خدمت یزید و سپس فرزندش معاویه بود.

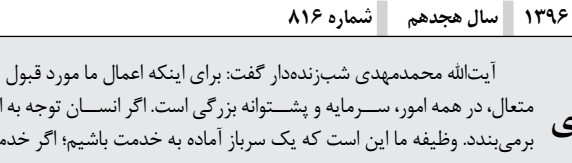
گفت‌و‌گو



نام خدا موجب امیدواری

□ **جواد منصور***ی/«کتاب»* به

معنای نوشته‌ای که به حسب متعارف با قلم نگارش می‌یابد، شایع‌ترین پدیده نوشتاری است که بشر از آن استفاده می‌کند و در ترویج آثار علمی–فرهنگی شیعه نقش عمده‌ای دارد. در بین انواع و اقسام نوشتار، این وجه مشترک وجود دارد که اگر نوشته‌ای در مقام بیان امر مهم، اقامه دلیل، ارائه سند و از این قبیل باشد، باید متقن، قطعی و روشن باشد. در طول تاریخ در میان مکتوبات و بیانات رسیده به ما، پس از نقل اکبر، کلامی مهم و گرانباتر از بیانات ائمه معصوم(علیهم‌السلام) وجود ندارد که بخشی از آن به شرح زندگانی ایشان و اتفاقات پیرامونی آن مرتبط است. به ویژه جریان قیام عاشورا در کنار بعثت نبوی که آغاز حدوث اسلام است، از مهم‌ترین رخدادها و به تعبیری علت بقای این دین خاتم بوده و جایگاه و اهمیت بالایی دارد. بنابر روایت معروف «فلس‌المهموم» (آه اندوهناک به یاد ستم‌هایی که بر ما روا زفته، تسبیح و عبادت است) که امام معصوم(ع) در پایان کلام خویش می‌فرماید: «باید این حدیث به آب طلا نوشته شود» (مفید: ۳۳۸/طوسی، ۴۱۴ق: ۱۱۵، ح ۱۷۸)، شاید بتوان گفت این چنین روایاتی در کنار ضرورت و اهمیت کتابت، در شکل‌گیری مصنفاتی، چون کتب «مقتل» مؤثر بوده است. کتابشناسی مشهور شیعه، شیخ‌آقا بزرگ تهرانی بییش از هفتاد کتاب را با همین عنوان نام می‌برد که فقط به حادثه کربلا مربوط می‌شود. (تهرانی، ۴۰۳ق: ۲۲–۲۱) افزون بر منابع خاص کتابشناسی، همچون الفهرست ابن ندیم، کنفلاستار عن وجه‌الکتب والأسفار، الذریعه الی تصانیف‌الشیعه و فهرست کتاب‌های چاپی خان‌بابا و فُشار، که در آن آثاری را نام برده است که به زندگانی درخشان پیامبر اعظم و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) مربوط می‌شود، کتاب‌نامه‌ها و کتابشناسی‌های مستقلی درباره ایشان تهیه و چاپ شده است؛ مانند کتاب‌نامه‌های آقای



اهمیت مکتوبات در وصف اهل بیت(ع)



رضا استادی در کتاب چهل مقاله یا دیگر کتب وی، یا کتاب «کتاب‌شناسی اهل بیت(علیهم‌السلام)» نوشته آقای ناصرالدین انصاری‌قمی که بیش از ۱۶۰۰ معصوم(علیهم‌السلام) وجود ندارد که بخشی از آن به شرح زندگانی ایشان و اتفاقات پیرامونی آن مرتبط است. به ویژه علی(ع)، حضرت فاطمه، امام حسین و امام عصر(علیهم‌السلام) در این کتاب نیامده و علت آن کثرت منابع و تعدد کتاب‌نامه‌هایی است که در این زمینه به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه (آه اندوهناک به یاد ستم‌هایی که بر ما روا زفته، تسبیح و عبادت است) عن‌الرسول و اهل بیت» نوشته عبدالجبار الرفاعی با مجلدهای بسیار نام برد.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان همه کتب مربوط به ائمه معصوم(ع) و حوادث پیرامونی ایشان را به انواع زیر فهرست کرد:
–زندگی‌نامه و شرح حال آنان و تحلیل حوادث زندگی ایشان؛
–مقتل و جریان‌های ریز و قايع؛
–تحقیقات و تألیفات مستشرقان درباره ائمه معصوم(ع)؛

– منابع مربوط به جغرافیای محل ولادت و شهادت یا وفات و سابقه‌اش؛
– کتب مربوط به بنای حرم‌ها و تحولات ساختمانی عتبات عالیات؛
– کتاب‌های مربوط به مشروعیت داشتن یا نداشتن گریه، نوحه، عزاداری، مراسم سنتی، توسل و…(چه ازسوی خود شیعه یا دیگران)؛

–مجموعه‌های شعری مربوط به ائمه معصوم(ع) مرتبط با حوادث زندگی ایشان، مانند واقعه عاشورا؛
– مجموعه‌های مکتوب یا شفاهی که در قالب‌های مختلف ادبی و هنری، بر محور وقایع زندگانی ائمه معصوم(علیهم‌السلام)، در طول تاریخ گرد آمده است. این آثار، شامل شعر و مرثیه، نوحه و تعزیه، مقتل و مصیبت‌نامه، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه، داستان، عکس و اسلاید، کتب و مقالات و نثرهای ادبی، شرح حال قهرمانان پیرامونی، تابلوها، طرح‌ها، پوسترها، ماکت و… می‌تواند باشند».
تبدیل شده است و آثار آن در مراسم‌های مذهبی مشاهده می‌شود.

البته در مقابل آن، دانشمندان در این زمینه به ویژه درباره جریان عاشورا کارهای ارزشمندی انجام داده‌اند؛ نظیر آثار معاصر کتاب‌های حماسه حسینی، الصحیح من مقتل سیدالشهداء، واصحابه،

آیت‌الله محمدمهدی شب‌زنده‌دار گفت: برای اینکه اعمال ما مورد قبول حضرت حق باشد، باید با نام او و استعانت از او و توکل بر او شروع بشود. ثقه به خدای متعال، در همه امور، سرمایه و پشتوانه بزرگی است. اگر انسان توجه به این مبدأ قادر رؤف حکیم داشته باشد، نامیدی‌ها و پژمردگی‌ها و کسالت‌ها از او رخت برمی‌بندد. وظیفه ما این است که یک سرباز آماده به خدمت باشیم؛ اگر خدمتی از ما خواست، انجام دهیم و اگر نخواست، ما وظیفه خودمان را انجام داده‌ایم.

بررسی چنین آثاری و مسئولیت جامعه علمی در ارائه این مباحث، باید توجه داشت که «بینش نتایج» این کتب و محصولات، بسیار مهم و گواه محکمی بر اهمیت و خطیر بودن این موضوع است و سرچشمه بسیاری از اشکالات و آسیب‌ها و برخی رفتارها و باورهای نادرست در مراسمات مذهبی از منابع مکتوب است، چنانکه مرحوم محقق علامه عسکری نظیر آن را در برخی منابع اهل عامّه بیان می‌کنند و در مقدمه کتاب «یکصدونجاه صحابی ساختگی» از گنج‌آینه شدن احادیث ساختگی در مشهورترین کتاب‌های حدیث صحیح و تفسیرهای معتبر و سیره و تاریخ‌های موقی می‌گویند که موجب انحراف و پدآموزی انسان‌ها شده تا آنجا که خدا را جسمی مرئی و پیامبر خدا را مردی شهوتران و قرآن را ناقص و قابل دستبرد نشان داده است.ایشان پس از این تذکرات، دعا و مسئلت می‌کنند: «بِسْمِ خدایِکَرد یا هزاران دروغ‌ها و افسانه‌های باور شده مسلمانان؟ مسلمانان بیش از هزار سال است که با این افسانه‌ها خو گرفته و معتقد شده و آنها را حدیث صحیح اسلام و… تاریخ موقت اسلام پنداشته‌اند و به همین سبب اسلام صحیح را شناخته‌اند! خداوند! آیا می‌توان حقایق تحریف شده را پس از چهارده قرن آشکار ساخت؟…» (مسکری، سردارنیا، بی‌تا: ۱–۲۶)

این خطر برای منابع و فرهنگ شیعه و به ویژه منابع مکتوب محل بحث و ادبیات آیینی بسیار محتمل‌تر است و متأسفانه تحریفات و نگاشته‌هایی وجود دارد که از آن در بین مردم و برخی خواص نیز سرایت کرده و شایع شده و گاه به باور تبدیل شده است و آثار آن در مراسم‌های مذهبی مشاهده می‌شود. البته در مقابل آن، دانشمندان در این زمینه به ویژه درباره جریان عاشورا کارهای ارزشمندی انجام داده‌اند؛ نظیر آثار معاصر کتاب‌های حماسه حسینی، الصحیح من مقتل سیدالشهداء، واصحابه،

نقطه نظر

درهای جهنم را ببندیم!

□ **آیت‌الله محمدعلی**

ناصری/ اینکه می‌گویند؛ بهشت هشت در و جهنم هفت در دارد، یعنی چه؟ یعنی انسان از هفت راه وارد جهنم می‌شود. این هفت راه در وجود انسان هست. این هفت راه، کجای او است؟ چشم، یکی از راه‌های جهنم است.

وقتی کسی خیانت می‌کند و به نامحرم نگاه می‌کند، این دو چشم، دو تا از درهای جهنم است.

دو تا هم گوش‌ها است. غیبت می‌شوم، تهمت می‌شوم، بی‌ناموسی و بی‌عفتی را می‌شوم و دنبالش می‌روم، سازوآواز می‌شوم، من که سازوآواز شنیدم، روز قیامت که می‌خواهند من را ادب کنند دو تا هم گوش‌ها است. غیبت می‌شوم، تهمت می‌شوم، بی‌ناموسی و بی‌عفتی را می‌شوم و دنبالش می‌روم، سازوآواز می‌شوم، من که سازوآواز شنیدم، روز قیامت که می‌خواهند من را ادب کنند دو تا هم گوش‌ها است. غیبت می‌شوم، تهمت می‌شوم، بی‌ناموسی و بی‌عفتی را می‌شوم و دنبالش می‌روم، سازوآواز می‌شوم، من که سازوآواز شنیدی و لذت بردی، حالا هم این عذاب را بچش.

از درهای جهنم هم زبان است. یکی هم حلقوم و دهان است که غذا از آن پایین می‌رود. اگر بدون توجه به حلال و حرام، پاک و نجس، هر چه بود خوردی، بعد نتیجه آن را می‌بینی. آیه صریح قرآن است که کسی که مال یتیم و بیچاره را بخورد، در واقع، آتش می‌خورد و در شکم او آتش است.

هفتمین آنها شرمگاه انسان است. یکی از این راه‌ها وارد آتش جهنم می‌شود. هر یک از اینها هم شعبی دارد.

حالا باید چه کار کرد؟ انسان در این دنیا می‌تواند این هفت در جهنم را ببندد. از خدا بخواهد که توفیقش بدهد. ایمانش که کامل شد، دیگر نه به نامحرم نگاه می‌کند، نه غیبت می‌کند، نه سازوآواز گوش می‌دهد، نه غذای حرام می‌خورد و نه خیانت ناموسی می‌کند.

□

حسن ابراهیمی /سکандار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن و عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دولت یازدهم بود که عمدتاً او را نفر سوم تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای می‌دانند، متولد سال ۱۳۴۱ در تهران است همچنین در طی سال‌های خدمتش در کسوت یک دیپلمات در سمت‌های مختلف به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران حضور داشته است . چندی پیش که او در تهران حضور داشت، فرمضی دست داد تا با او درباره نقش انگلستان در تحولات منطقه و درباره دیپلماسی در حوزه‌های روابط خارجی، توان دفاعی و نهضت‌های اسلامی هم‌صحبت شویم، گفت‌و‌گوی ما با حمید بعیدی‌نژاد را در ادامه می‌خوانید.

□ **حسن ابراهیمی** /سکандار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن و عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در دولت یازدهم بود که عمدتاً او را نفر سوم تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای می‌دانند، متولد سال ۱۳۴۱ در تهران است همچنین در طی سال‌های خدمتش در کسوت یک دیپلمات در سمت‌های مختلف به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران حضور داشته است . چندی پیش که او در تهران حضور داشت، فرمضی دست داد تا با او درباره نقش انگلستان در تحولات منطقه و درباره دیپلماسی در حوزه‌های روابط خارجی، توان دفاعی و نهضت‌های اسلامی هم‌صحبت شویم، گفت‌و‌گوی ما با حمید بعیدی‌نژاد را در ادامه می‌خوانید.



***با توجه به آنچه درباره انگلستان و پذیرش قدرت ایران در منطقه**

از سسوی آنها گفتید، در جایگاه یک دیپلمات و یک فعال حوزه سیاست خارجی تا چه حد اعتقاد دارید که می‌توان با استفاده از سه بازوی سیاست خارجی، دیپلماسی سیاسی و دیپلماسی نهضتی اهداف جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی را پیگیری کرد؟

این سه مؤلفه یکی مسئله سیاست خارجی و دیپلماسی، یکی دیپلماسی دفاعی و قدرت و توان دفاعی ایران و همین‌طور نفوذ گفتمانی ایران در سطح مقاومت در منطقه از مؤلفه‌های بسیار مهم قدرت ایران هستند و قطعاً هدف ما چیزی جز تقویت صلح و ثبات در منطقه نیست و اقتضا این است که این سه بازو در کنار هم و با هم به صورت هماهنگ فعالیت داشته باشند. سیاست خارجی ما مبتنی بر این امر است که ما نه چشم طمع به کشوری داریم و نه به دنبال اشغال کشوری هستیم. تاریخ معاصر هم نشان داده که ما نه تنها دنبال تهدید یا اشغال کشوری نبودیم؛ بلکه همواره به خصوص پس از انقلاب مورد تهدید و تجاوز واقع شدیم و دفاع کردیم و این دیگران بودند که برای ما تهدید بودند و تهدیدات را علیه ما اعمال می‌کردند. امروز هم می‌بینید که با همین کشور عراق که هشت سال از ناحیه سران

سابق آن به ما جنگی سخت و در حد بین‌المللی تحمل شد، همکاری‌های مهمی داریم که یکی از نکات برجسته شرایط منطقه است و با پشت سر گذاشتن شرایط زمان صدام امروز بدون اینکه چشمداشتی داشته باشیم با کمک به دولت

*** جناب آقای بعیدی‌نژاد با توجه به اینکه شما از اعضای اصلی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بودید، درباره موضع انگلستان در زمینه**

برجام توضیح دهید.

موضع رسمی انگلستان حمایت از برجام است و در چارچوب موضع اروپایی، همراه فرانسه و آلمان به عنوان سه کشور اروپایی در مذاکرات برجام کاملاً به برجام متعهد است و در همین فاصله که تغییراتی در دولت آمریکا رخ داده مذاکراتی خصوصی و پشت درهای بسته در مراحل مختلف داشته‌اند که آمریکا را متقاعد کنند از موضع‌گیری مخالف نسبت به برجام خودداری کند و اینکه اجزای برجام برای صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت بسیار زیادی دارد.

همان‌طور که در مواضع رسمی خودشان به کرات در سطح نخست‌وزیر، وزیر خارجه و دیگر مقامات اعلام کرده‌اند به اجرای برجام متعهد هستند و اجرای برجام مهم می‌دانند.

***درباره انگلستان چنین احساس می‌شود که به خصوص در یک سال اخیر یک انفعالی در موضع آنها نسبت به منطقه غرب آسیا به وجود آمده و دخالت‌های آنها کمتر شده، یا دست‌کم در ظاهر دیده نمی‌شود، گرایش‌هایی هم به سمت لیبی پیدا کرده‌اند، اما به هر صورت ظاهر صحنه نشان‌دهنده انفعال و تغییر رویکرد انگلستان است، لطفاً در این زمینه توضیح دهید.**

انگلستان به طور سنتی و از زمان‌های طولانی در منطقه به اشکال مختلف حضور داشته و با بسیاری از ساختارهای کشورهای منطقه آشنا است. در حوزه خلیج فارس و کشورهای این منطقه سابقاً دیرینه دارد و از باتطاتی که با کشورهای عربستان، قطر و امارات، حتی از پیش از تشکیل آنها داشته نشان داده این منطقه را می‌شناسد و حضورش هم در پیشبرد اهدافش مؤثر بوده است.

اما در این چند سال تحولاتی در منطقه رخ داد، از جمله نقش و قدرت برتر منطقه‌ای ایران و افزایش ظرفیت‌های منطقه‌ای آن و تحولاتی که ناشی از حضور



هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سباه

تلفن:۰۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)

صندوق پستی:۱۷۳۸۵/۱۸۵

سایت اختصاصی: sswweekly.ir

رایانامه: sobhesadegh@iran.ir

سامانه پیامک کوتاه:۰۳۳-۰۹۹۰۰۳۰۰

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

کانال تلگرام **@SobheSadeghWeekly**

حرف تو حرف

صلح نوبل یا جنگ نوبل!

کمیته جایزه نوبل اعلام کرده، خفاش شب، به دلیل تلاش برای نقل‌وانتقال امن زنان و دختران به مکان‌های خلوت و آرام، نامزد دریافت این جایزه شده است. پیش از این، افراد زیر، همین جایزه را دریافت کرده‌اند: باراک اوباما، از زمان کاندیداتوری برای انتخابات، پایان دادن به جنگ عراق از مطرح کرد؛ ولی بعداً گفت چه کاربه حالا؟! او بعدتر به وعده خود عمل نکرد و زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های آمریکا مانند «گوانتانامو» را تعطیل نکرد! شیرین عبادی، کمیته جایزه صلح نوبل علت انتخاب آن را، «تلاش»، عنوان کرد. گرفتن پول از بهائی‌های خائن و نوشتن دادخواست برای آنها، از دیگر فعالیت‌های است. «شیمون پرز، اسحاق رابین و مناحیم بگین»؛ هر سه از اعضای سازمان‌های تروریستی و حرفه‌ای‌های قتل و کشتار هستند که جایزه صلح نوبل را به شایستگی تصاحب کرده‌اند! در همین باره، مناحیم گفت: «من یک تروریست سابق هستم!» از دیگر افتخارات آنان، کشتار دبرپاسین (۲۵۰ نفر)، الدوایمه (۵۰۰ نفر)، خان یونس(۲۷۰ نفر) و صبرا و تیتسیلا (۸۰۰ نفر) است. آنها در حال انجام این فعالیت‌های صلح‌جویانه، شعار می‌دادند: «بدون عاطفه باش تا خدا رحمت کند!» «آنگ سسان سوچی»، سیاستمدار، دیپلمات، دلال، زامبی و مدافع حقوق بشر است! وی تحت تأثیر فلسفه بدون خشونت گاندی و به ویژه مفاهیم بودایی آنتدر بود که نگو! سوچی به منزله رئیس دولت میانمار، درباره قتل‌عام و سوزاندن مسلمانان گفت؛ اینها دعوی زن و شوهری است و ربطی ندارد! در عین حال به بازرسان سازمان ملل، خیرنگاران و حتی پزشکشان بدون مرز، اجازه ورود نداد. وی با شوهر انگلیسی و دو پسرش مشکل زبان ندارد. «دالایی لاما» با نام اصلی «جتسون جامفل نگاوانگ لوسانگ یشه تنزین جیاتسو»، متولد تبت است. تبتی‌ها عقیده دارند که روح لامای قبلی به جای گاو، افتاب‌پرست یا هر چیز دیگر، بی‌هوا در وی حلول کرده؛ بنابراین او لاماست. دالایی بعد از اینکه هزاران تبتی را به کشتن داد، خودش برای صحبت کردن درباره اهمیت شفقت به منزله سرچشمه شادی‌ها، در تور دور اروپا ثبت نام کرد! انورسادات، یکی دیگر از نوبل صلح گرفتگان است که شیک و مجلسی گروه‌های مصری مخالف خود را اعدام کرد. وی با آزادکردن فعالیت سیاسی برای همه، دستور دستگیری اعضای حزب کمونیست، ملی گراها، فمینیست‌ها، اسلام‌گراها، گروه‌های فعال دانشجویی، کاسب‌ها، کارگران، کارمندان و بقیه مردم را صادر کرد. آگاهان عده مفقودین را به دلیل نمایش حرف E روی صفحه ماشین حساب، کمتر از این می‌دانند.

کشکیات

جن و بسم‌الله

به هر اندازه «جن» از ذکر بسم‌الله می‌ترسد گروهی اندک، از آنکه شویم آگاه می‌ترسد فساد و پول وقتی می‌خرد افکار انسان را بلندای قلم از قدرتی کوتاه می‌ترسد فراموشش شده گاهی اصول انقلابی‌ها و اصلاحات ایشان هم از این راه می‌ترسد زمین گرم خورده آنچنان تولید ایرانی که گاو یا ما هم از نبود کاه می‌ترسد عرق بر چین پیشانی، جواب کودکش باشد پدر از چین و از دلایی و بنگاه می‌ترسد اگر در گور خود خوابیده امشب طفل بی‌خانه کجا یوسف از افتادن درون چاه می‌ترسد؟! کواسم پرت کنسرت و گلاب و عیش و مَدها شد نفهمیدم که انسان گاهی از یک آه می‌ترسد به تخم‌مرغ خوش بودیم و رانش قسمت خوبان گران شد، مرغ‌مان هم از ژِن رویاه می‌ترسد از آن روزی که سیمان شد نهال علم این کشور گلابی از درخت و مجلس و بدخواه می‌ترسد نباشد کمتر از موشک، ثواب پرت کردن‌ها که دشمن از همان خودکارها هم گاه می‌ترسد اگر تو تال شد امضا، مراقب باش بیش از پیش دکل از گم شدن شب‌ها میان راه می‌ترسد خدایا صاف کن لطفا دهان هاله‌بینان را که از این هاله‌های نورگستر، ماه می‌ترسد مگر ایشان نمی‌بوسد دهان منتقدها را چرا پس منتقد مانند عصر شاه می‌ترسد سخن کوتاه باید کرد و دوزخ رفت از سرما که امشب شاعر از چوب نامتگاه می‌ترسد

کتابیه سبز

سربلندی تو که در راه خدا، سر دادی!

دیده بگشا و ببین، معجزه‌ای دیگر را سر پرشور و دل عاشق و حق باور را! جوشش خون تو جاری شده تا فرداهاست همه جا کرب و بلا و همه روز عاشوراست! فاش کردی به جهان، راز سر و خنجر را خواننده‌ای روضه سنگین علی‌اکبر را! دشمنان را تو اسیران نگاهت کردی دوست را عاشق و دلداه راهت کردی! سربلندی تو که در راه خدا، سر دادی روح آزادی و آزادگی و فریادی! تو که آمیزمای از عشق و نبرد و مردی خلق را محو تماشای نگاهت کردی! پیکر بی‌سر تو، بیریق پیروزی ماست آیه محکمی از عشق و ستم‌سوزی ماست! حرم حضرت زینب کند اعجاز دگر سر خون می‌شود آری به جهان، راز دگر! هر شهیدی به سرش، شور حسینی دارد جلوه خامنه‌ای یا که خمینی دارد! «عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است دادن سر نه عجب، داشتن سر عجب است!»

معرف‌الله حاتمی

صبحانه

نیک‌اندیش باشیم

هنگامی که از درون زلال باشی خداوند به تو نوری می‌بخشد، آنچنان که ندانی مردم تو را دوست می‌دارند از جایی که ندانی و نیازهایت برآورده شود از جایی که گمان نبری این یعنی پاک‌نیتی و پاک نیت کسی است که برای همه، بدون استثنا خیر بخواهد.

چون می‌داند؛

سعادت دیگران از خوشی او نمی‌کاهد.

و بی‌نیازی آنها از ثروت او کم نمی‌کند.

و سلامت آنها عافیت و آرامش او را سلب نخواهد کرد.

پس چه زیباست که همیشه نیک‌اندیش و خیر‌خواه باشیم.

صادقانه

گوه بر حسین (ع)

امام رضا(ع) فرمودند: «بر کسی چون حسین باید که گریندگان بگیرند؛ زیرا که گریستن بر او گناهان بزرگ را می‌زداید.» حضرت(ع) سپس فرمود: «چون ماه محرم می‌رسید، کسی پدرم را خندان نمی‌دید. غم و اندوه بر او چیره بود تا آن‌که ده روز می‌گذشت، روز دهم روز سوگواری و اندوه و گریه او بود و می‌فرمود: این روزی است که حسین(ع) در آن کشته شد.»

وسائل الشیعه
ج ۱۰، ص ۲۹۴



می‌دهد. او در ادامه با همراهی محافظ خود دچار چالش‌های خاصی می‌شود که خانواده‌اش را هم درگیر می‌کند. محور داستان در این سریال، جایی است که برای بسیاری از مردم جاذبه دارد؛ زندگی شخصی و خانوادگی سیاستمداران و مسئولان رده بالای نظام، برای بسیاری از مردم جزء اسرار است. برخی تصورات خاص می‌توان به طور غیر مستقیم چالش‌ها و کژتابی‌های سیاسی را نقد کرد. از همین رو، این موضوع را که صداوسیما به تولید و نمایش یک سریال سیاسی کم‌دی ورود پیدا کرده است، باید به فال نیک گرفت.

«گسل» درباره معاون یکی از وزارتخانه‌هاست که در آستانه راه‌اندازی یک سد، به وجود کاستی‌هایی در آن پی می‌برد و از سمت خود استعفا

رائش اضافه

دولت، راه آزادی را بر «دکتر سلام» بست!



با فشارهای غیر قانونی دولت، محل برگزاری جشن چهارمین سالگرد طنز سیاسی «دکتر سلام» تغییر کرد. در حالی‌که دست‌اندرکاران جشن دکتر سلام، مجوز قانونی لازم برای برگزاری این مراسم در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی را داشتند؛ اما دولت دوازدهم به طور غیر قانونی و بدون هیچ توضیحی، مانع از برگزاری این مراسم در محل مذکور شد. در نتیجه، با هماهنگی‌های صورت گرفته، چهارمین جشن دکتر سلام، پنج‌شنبه ۲۳ شهریور در تالار شهدای هفتم تیر برگزار شد. علی صدربی‌نیا، کارگردان طنز سیاسی «دکتر سلام» دراین‌باره گفت: «مسئولان دولتی، در دو ماه گذشته فشارهای زیادی برای جلوگیری از برگزاری این مراسم به ما اعمال کردند. به طوری که برای دادن مجوز، هر روز ما را بین مراکز مختلف پاس‌کاری می‌کردند تا اینکه در نهایت مجوز لازم صادر شد؛ اما ما را به داخل محل برگزاری این مراسم راه ندادند. تنها چیزی که گفتند این بود که این مراسم در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی نباید برگزار شود و در محل کوچک‌تری باید برگزار شود!» وی تصریح کرد: «قیقاً نمی‌دانم از چه چیزی می‌ترسند! شاید از دین چهره ۱۲ هزار دانشجوی بانشاط و انقلابی هراس دارند.»

برگزاری سوگواره

«رکعت به رکعت عاشقی»



مدیر عامل گروه هنرهای نمایشی بنیاد فرهنگی روایت گفت: «به مناسبت ایام سوگواری و عزاداری حضرت اباعبدالله(الحسین(ع) و با هدف تلقیق روح حماسی، این رخداد عظیم تاریخی با هنر ارزشمند و فاخر تعزیه و پرده‌خوانی، این برنامه باحضور هنرمندان برجسته‌نمایش‌های آیینی سنتی از جمله استاد «سیاوش طهمورت» و «سیدعظیم موسوی» و جمعی از فعالان عرصه تعزیه کشور برگزار خواهد شد.»
امیر نصیریگی افزود: «این سوگواره نمایشی از غروب جمعه ۳۱ شهریور مصادف با شب اول محرم‌الحرام تا یک‌شنبه ۱۰ مهر مصادف با ششم‌الحرام حضرت سیدالشهدا(ع) بعد از اذان مغرب به همت گروه هنرهای نمایشی روایت فتح در محل بنیاد فرهنگی روایت فتح واقع در میدان فردوسی برگزار خواهد شد.»

نگاهی به سریال گسل

کمدی سیاسی بدون آرمان و هدف!

و محتوای سیاسی تأمل‌برانگیزی را مطرح می‌کند. آنچه به منزله سیاست در این سریال محور قرار گرفته، در حد نمایش چند مسئول و فرد سیاسی است، نه کشمکش‌هایی که در منازعات قدرت شکل می‌گیرد. البته در قسمت‌های ابتدایی، سکانس‌هایی به راهروهای وزارتخانه فرضی و برخی رقابت‌ها و منازعات میان صاحب‌منصبان اختصاص یافته بود؛

دارند. برای نمونه، در عرصه سینما، بسیاری از سینماگران از این گلایه دارند که رؤسای این حوزه، حاضر به شنیدن درد دل‌ها و حرف‌های آنها نیستند؛ اما سریال «گسل» سعی کرده است ضمن شوخی با مسئولان و اهالی سیاست، نشان دهد که بسیاری از این مردان یا زنان نیز همچون دیگر مردم زندگی می‌کنند؛ خانه آنها هم شبیه به بقیه است، فرزندان آنها هم به همان مدارس و دانشگاه‌هایی می‌روند که دیگران می‌روند، با بسیاری از مشکلاتی که مردم به آنها مبتلا هستند، دست و پنجه نرم می‌کنند و… (البته باید حساب برخی از مدیران را

اما

سریال «گسل» نه در طنز و ایجاد سخاست‌های کمدی حرف تازه‌ای برای گفتن دارد و نه مفهوم

تلخند



نعمت زاده، بازگرداندن امید به فعالان اقتصادی ماندگارترین اقدام در ۸ سال گذشته بود!

بین‌المللی، مدیرانی‌که به مردم وعده می‌دهند، اما عمل نمی‌کنند، مدیرانی که صادق و مردمی هستند و… ؛ اما با وجود این همه مسئله مهم و جذاب در میدان سیاست کشورمان،

«گسل» به آنها توجهی ندارد و اگر هم در برخی لحظات به چنین سوز‌هایی دست می‌اندازد، خیلی زود از کنار آنها می‌گذرد. در نهایت، اصلاً مشخص نیست سریال «گسل» چه اهداف سیاسی یا اجتماعی را دنبال می‌کند! معلوم نیست این سریال در پی نقد دولت است یا دفاع از آن! آیا هدفش دفاع از اصول انقلاب است یا خیر؟ بی‌هدفی، نبود هویت مشخص و نداشتن آرمان (که وجود هر سه، از الزامات ساخت یک اثر سیاسی، چه در قالب کمدی و چه جدی است) محتوای سریال را از نفس انداخته و آن را به نمایشی سرگرم‌کننده محدود کرده است.

با این حال، همان‌طور که در ابتدا بیان شد، اقدام صداوسیما در تولید آثار کمدی با مضمون سیاسی قابل ستایش است و باید زمینه برای پرداختن به موضوعات و چالش‌های مهم عرصه سیاست در قالبی سرگرم‌کننده و طنزآمیز فراهم شود.

نادیده گرفتن فیلم‌های ارزشی در جشن خانه سینما



فیلم‌هایی چون «ماجرای نیمروز»، «ویلای‌ها»، «بیست‌ویک روز بعد»، «یتیم‌خانه ایران» و… با اینکه با تحسین و ستایش مردم و اهالی سینما مواجه شدند؛ اما در نوزدهمین جشن خانه سینما، حتی یک جایزه هم نگرفتند! در این دوره از جشن خانه سینما نیز بیشترین

جوایز به فیلم‌های «فروشنده» اصغر فرهادی و «رگ خواب» حمید نعمت‌الله رسید. این در حالی است که فیلم «ماجرای نیمروز» بارها از سوی منتقدان و سینماگران در جایگاه بهترین فیلم سال سینمای ایران شناخته شده بود؛ فیلمی که هم به نمایش جنایات سیاه سازمان تروریستی منافقین در دهه ۶۰ می‌پردازد و هم از نظر ساختاری و تکنیکی، قطعاً از فیلم «فروشنده» کیفیت بالاتری دارد. تحسین از فیلم «ماجرای نیمروز» در جشن منتقدان عواقب فراوانی را به دنبال داشت و سینماگران جشنواره‌ای، حملات زیادی به این فیلم و سازنده آن کردند. به نظر می‌رسد که این فضاسازی‌ها در بی‌توجهی به «ماجرای نیمروز» در جشن خانه سینما موثر بوده است.

گفتنی است؛ مراسم نوزدهمین جشن بزرگ سینمای ایران به ریاست «هارون یشایایی» شامگاه ۲۱ شهریور همزمان با روز ملی سینما در «باشگاه پیام» برگزار شد.

«خوشه‌های خشم»

درباره فتنه ۸۸ تولید می‌شود



مجموعه مستند «خوشه‌های خشم» درباره ناگفته‌های فتنه سال ۸۸ تولید می‌شود. «مهدی نقویان» کارگردان این مستند، گفت: «خوشه‌های خشم» به زمینه‌ها و ریشه‌های فتنه سال ۸۸ می‌پردازد؛ اما مشکل اصلی این است که عوامل اصلی و دخیل در آن حوادث حاضر به مصاحبه و گفت‌وگو نیستند و این‌ فیلم با تصاویر آرشیوی ساخته خواهد شد.» وی تصاویر شخصی مردم از اغتشاشات و وقایع سال ۸۸ را یکی از منابع تولید این مستند دانست. نقویان در پایان گفت: «مجموعه مستند «خوشه‌های خشم» با تهیه‌کنندگی مرکز بسج صداوسیما در مرحله پیش‌تولید و جمع‌آوری تصاویر آرشیوی قرار دارد و به مناسبت ۹ دی امسال در قالب مجموعه‌ای ۱۰ قسمتی از صداوسیما پخش خواهد شد.»

یادداشت

پدر کشی روی پرده سینما

□ **حسین کارگر**، رحمان سیفی‌آزاد که سال‌ها مسئولیت‌های مهمی در صداوسیما داشته، این بار خودش اقدام به کارگردانی یک فیلم سینمایی کرده است. با این حال فیلم اول این مدیر رسانه‌ای، گویای نگاه ضعیف وی به سینما و نمایش است. چرا کسی که سال‌ها تجربه اداره بخش‌های مهمی از مهم‌ترین دستگاه فرهنگی این کشور را برعهده داشته، فیلمی ساخته که مخاطب پس از تماشای آن از هر چه فیلم و سینماست، دلزده می‌شود؟

خلق یک ملودرام اشک‌آور و حتی اغراق در نمایش رنج و پریشانی شخصیت‌های فیلم، بیش از هر چیز

به ایده‌ای متناسب و خلق قصه‌ای پرکشمکش نیاز دارد، اما رحمان سیفی‌آزاد در فیلم «ماجان» بدون نوآوری و ایده و قصه، صرفاً با ایجاد فضاهای پرتنشش و ایجاد تضاد و درگیری مصنوعی و جعلی بین آدم‌های فیلم، با احساسات – بهتر است بگوییم اعصاب – مخاطب بازی می‌کند!

وجود فرزندان معلول در برخی خانواده‌ها و معضلات نگهداری از آنها انکارناپذیر است، اما در فیلم «ماجان» دقیقاً زاویه‌ای به این موضوع پرداخته شده که شاید چندان محل چالش و درگیری نباشد.

داستان فیلم بر پایه اختلاف زن و شوهر بر سر چگونگی مراقبت از فرزند معلول بنا شده است. مادر به

طور طبیعی عاشق بچه است، اما پدر از این موضوع در عذاب است و اصرار دارد که بچه را به آسایشگاه بسپرند. اما دامنه این‌ اختلاف و دعوی بین زن و شوهر بر سر بچه معلول، به طور عجیب و باورنکردنی کش پیدا می‌کند، تا آنجا که مرد کارش به تهمت زدن به همسرش می‌کشد و حتی به گرفتن زن دوم هم اقدام می‌کند. مشخص

نیست که با وجود دو فرزند سالم دیگر، رفتن مرد به سمت زن دوم چه ارتباطی به علاقه زن برای نگه داشتن فرزند معلول دارد؟ ضمن اینکه شغل مرد، راننده کامیون معرفی می‌شود و فردی که چنین شغلی دارد، کمتر در خانه حضور دارد و بیشتر وقتش صرف سیر و سفر می‌شود. بنابراین اگر هم بنا بر شکایت و مخالفت با بچه باشد، این زن است که باید مشکل داشته باشد، نه شوهر.

هیچ مسئله واقعی و مهمی در فیلم وجود ندارد و فیلمساز، بدون زمینه‌سازی دراماتیک و منطقی، موقعیت‌های تنش‌زا را یکی پس از دیگری به داستان تحمیل می‌کند. استفاده بیش از حد از تزویرک‌های (حقه‌های سینمایی) صوتی و خلق صدا‌های مهیب هم کمکی به فضاسازی عاطفی فیلم نمی‌کند، چون داستان فیلم باورپذیر نیست.

شخصیت‌پردازی هم عمق ندارد؛ بیرحمی پدر علیه فرزند معلول آن هم در حالی‌که همه بار مراقبت از بچه بر دوش مادر است و مادر هم این مسئولیت را با کمال میل پذیرفته معنا ندارد. صحنه پایانی و تلاش پدر برای انداختن بچه‌اش به دریا، یک ترفند سوخته برای ایجاد حس ترحم به نفع بچه معلول است. این همه اغراق در نمایش تصویر منفی از یک پدر، ناشی از ضعف اساسی فیلم، یعنی نداشتن ایده زاینده و پویا و مرگ درام است.

حسین ختام

نام دل‌آرای مهدی

مرد میدان بود، مرد مصاف، مرد حماسه

مرد حادثه…

فرمانده عشاقی بود که به قصد قربت راهی قتلگاه شده بودند

مصمم و باراده…

پشت خاکریزها؛

همان جا که دیگر نه راه پس وجود داشت نه راه پیش

چشمانش را بر هم نهاد

صدای آرپی‌چی بود و خمپاره

نهیب توپ بود و تانک

و دشمنی در همان نزدیکی…

یاد مولا تمام وجودش را پر کرد نام دل‌آرای او را بر زبان راند

دلش آرام گرفت

سربند «بامهدی»‌اش را محکم‌تر بست به دل دشمن زد؛ به دل سیاهی

وقتی به عقب باز می‌گشت

دستاوردش نور بود…

یقین کرد که در نام مولایش رازی نهفته است